



The model and theory of efficiency of the Islamic State with the civilized approach and application to its practical implications from the perspective of Imam Khomeini and Ayatollah Khamenei

Roghayeh javidi*

Received on: 23/11/2021

Accepted on: 04/04/2022

Abstract

The subject of the present study is the model and theory of efficiency of the Islamic State with a civilized approach and application to its practical implications from the perspective of Imam Khomeini and Ayatollah Khamenei. In order to achieve the ideals of the Islamic Revolution, the formation of the Islamic State is the third stage of the five-stage process of progress and achievement of Islamic civilization. On the other hand, if the government is efficient, it can lead to the realization of a new Islamic civilization. Knowing this issue, the present study seeks to extract the theory of efficiency of the Islamic state from the thought of the leaders of the revolution. The main question of the research is: "What is the model and theory of efficiency of the Islamic State in the approach of civilization from the perspective of Imam Khomeini and Ayatollah Khamenei and what are its practical implications?". Grounded theory method and MAXQDA software were used to answer the main question and to present the theory. Based on the research findings, the efficiency of the Islamic State in the field of divine legitimacy and popular acceptance of the system and the implementation of Islamic law in society and based on the structure and manner of interaction and action of the government and agents in the economic, political, cultural and social fields. It is the moral and managerial responsibility of the officials to remove or confront internal and external obstacles. The realization of Islamic society and civilization and the establishment of justice, the achievement of high Islamic goals and the dignity and independence and all-round progress of the country, are among the effects and blessings of such an efficient government.

Keyword: Islamic State, Islamic Civilization, Efficiency, Imam Khomeini, Ayatollah Khamenei.

.....
* Researcher on Iran Issues and PhD of Political Science, Baqer Al-Uloom University, Qom, Islamic Republic of Iran. . (Corresponding Author)

Roghayeh_javidi@yahoo.com

0000-0003-0582-7384



الگو و نظریه‌ی کارآمدی دولت اسلامی با رویکرد تمدنی و تطبیق بر دلالت‌های عملی آن از دیدگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری

رقیه جاویدی *

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۱۵

چکیده

موضوع پژوهش حاضر، الگو و نظریه‌ی کارآمدی دولت اسلامی با رویکرد تمدنی و تطبیق بر دلالت‌های عملی آن از دیدگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری است. در جهت تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی، تشکیل دولت اسلامی، سومین مرحله از فرآیند پنج مرحله‌ای پیشرفت و دستیابی به تمدن اسلامی قرار دارد. اگر دولتی کارآمد باشد، می‌تواند سبب تحقق تمدن نوین اسلامی گردد. پژوهش حاضر با علم به این موضوع، درصدد استخراج نظریه‌ی کارآمدی دولت اسلامی در اندیشه‌ی امامین انقلاب اسلامی است. پرسش اصلی پژوهش عبارت است از این که «الگو و نظریه‌ی کارآمدی دولت اسلامی در رویکرد تمدنی از دیدگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری چیست و چه دلالت‌های عملی‌ای دارد؟». برای دستیابی به پاسخ پرسش اصلی و نیز ارائه‌ی نظریه از روش‌گرنند تئوری و نرم‌افزار MAXQDA بهره گرفته شد. بر اساس یافته‌های پژوهش، کارآمدی دولت اسلامی، در زمینه‌ی مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی نظام و اجرای قانون اسلام در جامعه و بر پایه‌ی ساختار و فرآیند و نحوه‌ی تعامل و کنش دولت و کارگزاران در عرصه‌ی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، تقنینی و قضائی و نیز رعایت ویژگی‌های اخلاقی و مدیریتی مسئولان و برطرف کردن و یا مقابله با موانع درونی و بیرونی است. تحقق جامعه و تمدن اسلامی و برقراری عدالت، دستیابی به اهداف والای اسلامی و عزت و استقلال و پیشرفت همه‌جانبه کشور، از جمله آثار و نتایج چنین دولت کارآمدی است.

کلمات کلیدی: دولت اسلامی، تمدن اسلامی، کارآمدی، امام خمینی، مقام معظم رهبری.

* پژوهشگر مسائل ایران، دکتری علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم، جمهوری اسلامی ایران. (نویسنده مسئول)

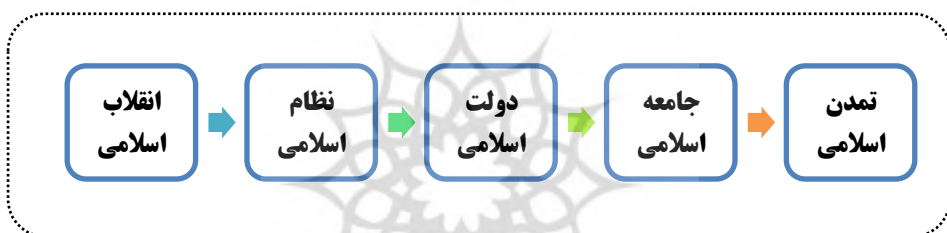
بیان مسئله

یکی از مباحث اصلی و اساسی در علم سیاست، بحث از دولت و کارآمدی آن است و از طرفی، جوامع برای تمام مراحل پیشرفت و بالندگی خود و رسیدن به تمدنی پویا و پایا به دولتی کارآمد نیازمند هستند تا بتوانند برنامه‌ریزی و راهبری دقیق و محاسبه‌شده به این هدف دست یابند؛ چرا که ناکارآمدی دولت‌ها حتی اگر در برخی از عرصه‌ها مثل فرهنگ یا سیاست یا اقتصاد یا غیره باشد، سبب عدم توسعه و توازن کشور خواهد شد و دستیابی به تمدن را غیرممکن می‌سازد. اگر دولت‌ها در سطوح مختلف بدون برنامه‌ی کلان و متوازن عمل کنند و سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های آن‌ها در یک جهت و غایت واحدی نباشد؛ این امر، سبب تداخل و گاه تنش‌هایی در سطوح مختلف می‌شود و روند توسعه‌ای کشور را با اخلال مواجه می‌کند. همچنین کارآمدی یک دولت، ضامن بقا و حیات جوامع نیز خواهد بود و اگر دولتی کارآمد نباشد، با بحران کارآمدی و در نهایت، با بحران مشروعیت مواجه خواهد شد و موجودیت و هویتش در معرض تهدید و نابودی قرار خواهد گرفت و جوامع نیز دستخوش تغییر و تزلزل و آشوب خواهد شد.

از طرفی، مقام معظم رهبری به‌عنوان رهبر، اندیشمند و متفکر انقلاب اسلامی یک فرآیند پنج مرحله‌ای از پیشرفت را برای تحقق اهداف انقلاب اسلامی ترسیم نموده‌اند که دولت اسلامی در سومین زنجیره‌ی حلقه وصل از آن قرار دارد و پس از وقوع انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام سیاسی اسلامی، بنیان نهاده می‌شود و زمینه‌ساز جامعه اسلامی و سپس تمدن اسلامی خواهد بود. ایشان در این باره می‌فرماید: «ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله بعد تشکیل دولت اسلامی است، مرحله بعد تشکیل کشور (جامعه) اسلامی است، مرحله بعد تشکیل تمدن بین‌الملل اسلامی است» (بیانات رهبری، ۱۳۸۳/۰۳/۰۶) بنابراین، به نظر ایشان بدون تشکیل دولت اسلامی که حلقه‌ی وصل انقلاب و نظام اسلامی به جامعه اسلامی است، تصور تحقق تمدن اسلامی محال است.

همچنین آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه‌ی راهبردی گام دوم انقلاب که به مناسبت چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی ارائه فرمودند، سند راه و چشم‌انداز آینده حرکت انقلاب را ترسیم نموده‌اند: «انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چلّه پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه‌ی

وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دومین مرحله‌ی خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است» (بیانیه‌ی گام دوم رهبری، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). ایشان با اشاره به گام‌هایی که باید برداشته شود، به هفت عرصه توصیه می‌کنند که در واقع، هفت پایه‌ی اصلی جامعه‌سازی و تمدن‌سازی اسلامی است. این هفت عرصه عبارت است از: علم و پژوهش؛ معنویت و اخلاق؛ اقتصاد؛ عدالت و مبارزه با فساد؛ استقلال و آزادی؛ عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن؛ و سبک زندگی (رک. همان)؛ که همه‌ی این‌ها بدون داشتن دولت بالنده و کارآمد اسلامی که راهبری و رهبری جامعه را برعهده داشته باشد و برای تحقق تمدن نوین اسلامی برنامه‌ای کلان، راهبردی و دقیق داشته باشد، محقق نخواهد شد.



شکل شماره ۱: زنجیره تمدن‌سازی اسلامی

اکنون بیش از چهار دهه از تأسیس جمهوری اسلامی ایران می‌گذرد؛ اما وقتی وضعیت کشور را از لحاظ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... مشاهده می‌کنیم، چندان رضایت‌بخش نیست و نیز احساس نمی‌شود که وضعیت کشور رو به پیشرفت و تعالی باشد و زمزمه‌هایی از ناکارآمدی دولت‌ها شنیده می‌شود که در همه‌ی بخش‌ها تأثیرگذار است و ما هنوز نتوانسته‌ایم بر اساس آرمان‌های انقلاب اسلامی، به یک جامعه اسلامی و سپس تمدن اسلامی دست یابیم و در مرحله‌ی دولت‌سازی اسلامی متوقف شده‌ایم و این توقف به دلیل ناکارآمد بودن دولت‌های روی کارآمد و عدم اجرای الگوی دولت اسلامی است؛ چرا که در سطح نظری و تئوری، با فقدان نظریه کارآمدی دولت اسلامی با رویکرد تمدنی مواجه‌ایم. به همین دلیل، کارآمدسازی دولت‌ها، از لحاظ مفهومی، ساختاری، کارکردی، نظریه‌ای و چگونگی تحقق آن، همواره دغدغه‌ی اصلی اندیشمندان و حتی دولتمردان و سیاست‌گذاران بوده و هست و نیز یکی از مباحث با اهمیت در اندیشه‌ی سیاسی است و اندیشمندان بسیاری به پژوهش پیرامون این مسئله پرداخته‌اند. مقام معظم رهبری در ترسیم

فرایند پنج‌گانه اهداف انقلاب اسلامی، وقتی به تشکیل دولت اسلامی می‌رسند، می‌فرمایند: «مرحله بعد از نظام اسلامی، دولت اسلامی است. در این راه هم حرکت کردیم. مسئولان مؤمنی، وزرای خوبی، نمایندگان خوبی، رؤسای جمهور باایمانی، یکی پس از دیگری امور کشور را بر عهده گرفتند؛ اما دولت اسلامی‌ای که بتواند مقاصدی را که ملت ایران و انقلاب عظیم آن‌ها داشت، تأمین کند، دولتی است که در آن رشوه نباشد، فساد اداری نباشد، ویژه‌خواری نباشد، کم‌کاری نباشد، بی‌اعتنایی به مردم نباشد، میل به اشرافی‌گری نباشد، حیف‌ومیل بیت‌المال نباشد، و دیگر چیزهایی که در یک دولت اسلامی لازم است» (بیانات رهبری، ۱۳۸۴/۰۵/۲۸). در واقع، رهبر معظم انقلاب بر این باورند که وارد مرحله تشکیل دولت اسلامی شده‌ایم؛ اما دولت کارآمد اسلامی هنوز تشکیل نشده تا بتواند اهداف انقلاب اسلامی را محقق کند.

از طرفی، شرایط پیچیده‌ی جهانی اقتضائاتی خاص دارد و لازم است کارآمدی دولت متناسب با آن و بر اساس آراء و اندیشه‌های اسلامی بازسازی شود. همچنین ضرورت دارد برای پیشرفت کشور، الگویی اسلامی ایرانی ترسیم شود تا الگویی راهبردی و سندی بالادستی برای همه اسناد برنامه‌ای و چشم‌اندازی کشور باشد که اکنون بیشتر نظریه‌پردازان دغدغه طرح زوایای مختلف آن را دارند. این الگو، بنا بر ترسیم و تأکید مقام معظم رهبری، چهار عرصه «فکر، علم، زندگی و معنویت» دارد که این مقاله در تلاش است با ارائه‌ی الگویی از کارآمدی دولت، در عرصه علم و فکر به‌طور مستقیم و در عرصه‌ی زندگی و معنویت به‌صورت غیرمستقیم مؤثر باشد و این خلأ و نیاز نظری و اندیشه‌ای را تا حدودی برطرف نماید.

در میان اندیشمندان اسلامی، امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان دو متفکر، اندیشمند و رهبر انقلاب اسلامی بیشتر از سایر متفکران به مباحث دولت و ابعاد آن در بیانات خود پرداخته‌اند که با بهره‌گیری از بیانات ایشان می‌توان به الگو و نظریه‌ای در باب کارآمدی دولت اسلامی دست یافت؛ اما عملاً مشاهده می‌شود که از این گستره‌ی عظیم اندیشه‌ای بهره‌ی پژوهشی برده نشده است. همچنین به نظر می‌رسد که در عرصه‌ی نظر و تئوری در جمهوری اسلامی ایران، یک نظریه در باب کارآمدی دولت وجود ندارد که اسلامی و بومی بوده و بتوان در عرصه‌ی عمل با کمترین پیامد منفی و بیشتر بهره‌وری و دستیابی به موفقیت و پیشرفت، آن را به کار گرفت.

بنابراین، با توجه به این که مسئله‌ی کارآمدی دولت، مسئله‌ی امروز و اولویت‌دار جمهوری اسلامی

ایران است و خلأ پژوهشی در باب نظریه اسلامی - بومی کارآمدی دولت و نیز با توجه به فرآیند پیشرفت و توسعه‌ای که جوامع در روند آن قرار گرفته‌اند و نیاز به داشتن دولتی کارآمد جهت دستیابی به تمدن اسلامی، ضرورت دارد تا نظریه‌ای درباره‌ی کارآمدی دولت به لحاظ بومی داشته باشیم که پژوهش حاضر درصدد پر کردن این خلأ و نیاز نظری و اندیشه‌ای و استخراج الگو و نظریه کارآمدی دولت اسلامی از اندیشه‌ی رهبر انقلاب است.

لذا دغدغه و مسئله‌ی پژوهش حاضر، ارائه‌ی الگو و نظریه دولت اسلامی کارآمد با رویکرد تمدنی و دلالت‌ها و الزامات عملی آن با تأکید بر اندیشه‌ی امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری است. بر این اساس، این پرسش مطرح می‌شود که الگو و نظریه یک دولت اسلامی چیست؟ دولت چه مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی باید داشته باشد تا دولت اسلامی بر آن تطبیق یابد و کارآمد باشد و بتواند حلقه‌ی وصلی برای تحقق جامعه و تمدن اسلامی باشد؟ که نویسنده با روش گرنند تئوری و تحلیل مضمون بیانات و فرمایشات امامین انقلاب درصدد پاسخ به این مسئله و پرسش اصلی است.

این پژوهش، از حیث نظریه‌پردازی درباره‌ی کارآمدی دولت و نیز ارائه‌ی نظریه‌ی بومی متناسب با شرایط و ویژگی‌های جمهوری اسلامی ایران و همچنین از لحاظ اینکه موضوع آن با تکیه بر اندیشه سیاسی متفکر و رهبران انقلاب ایران، امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای ارائه می‌شود، دارای نوآوری و اهمیت است. بعد اهمیت دیگر این پژوهش، تلاش برای تولید نظریه‌ی کارآمدی قابل استفاده در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و مسیر تحقق اهداف انقلاب اسلامی در گام دوم خود و تحقق تمدن نوین اسلامی است؛ الگویی راهبردی که سندی بالادستی برای همه‌ی اسناد برنامه‌ای و چشم‌اندازی کشور است و اکنون بیشتر نظریه‌پردازان دغدغه‌ی طرح زوایای مختلف آن را دارند. این الگو، بنا بر ترسیم و تأکید مقام معظم رهبری، چهار عرصه «فکر، علم، زندگی و معنویت» دارد که این پژوهش می‌تواند با نظریه‌پردازی در زمینه دولت کارآمد بومی - اسلامی، در عرصه علم و فکر به طور مستقیم و در عرصه‌ی زندگی و معنویت به صورت غیرمستقیم مؤثر باشد. اهمیت برجسته‌ی این پژوهش، به کارگیری روش داده‌بنیاد در اندیشه سیاسی و بهره‌گیری از ظرفیت این روش در تولید نظریه از مباحث اندیشه‌ای و نظری اسلامی - ایرانی و ارائه‌ی روایت نظریه کارآمدی دولت اسلامی با رویکرد تمدنی است.

۱. پیشینه‌ی پژوهش

مسئله‌ی مقاله‌ی حاضر کارآمدی دولت اسلامی با رویکرد تمدنی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای می‌باشد که در این زمینه پژوهش‌های مختلفی را می‌توان شناسایی نمود.

الف. برخی از پژوهش‌ها، مجموعه‌هایی از گردآوری سخنان و فرمایشات این بزرگواران است و مرجعی برای پژوهش‌های موضوعی و... است. مانند: مجموعه صحیفه امام، مجموعه حدیث ولایت و...

ب. در برخی از پژوهش‌ها به کلیت اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) اشاره شده است. مانند: کتاب-هایی با عنوان اندیشه سیاسی امام خمینی از مؤلفانی چون؛ احمد جهان بزرگی، محمدحسین جمشیدی، یحیی فوزی توپسراکانی، عبدالوهاب فراتی، نجف لکزایی و نیز: مؤلفه‌های اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ حکمرانی مطلوب در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) از عبدالحسین ضمیری؛ عارض خورشید: مقدمه‌ای بر اندیشه سیاسی امام خمینی از مصطفی دلشاد تهرانی؛ امام خمینی و حکومت اسلامی: مأخذشناسی اندیشه سیاسی امام خمینی از مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی و...

ج. تک نگاره‌هایی درباره‌ی دولت و کارآمدی آن نگاشته شده است که یا به شاخص‌های کارآمدی نظام سیاسی پرداخته‌اند و یا درآمدی بر آن هستند و یا به موضوعات خرد در عرصه دولت پرداخته‌اند و به صورت جامع و اندیشه‌ای و نظریه‌ای به کارآمدی دولت پرداخته‌اند. مانند: درآمدی بر کارآمدی در نظام سیاسی اسلام از بهرام اخوان کاظمی؛ حکومت: مباحثی در مشروعیت و کارآمدی از محمدجواد لاریجانی؛ بیست‌ودو فرمان حکومتی در کارآمدی نظام جمهوری اسلامی از محمد توکلی و همکاران؛ تجربه کارآمدی حکومت ولایی از علی ذوعلم؛ رویش: درآمدی بر کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران از علی اکبر کلانتری؛ جمهوری اسلامی ایران و چالش‌های کارآمدی از سید مرتضی نبوی؛ نقش دولت تمدنی در کارآفرینی: چهارچوبی برای آینده‌ی جمهوری اسلامی ایران از تقی پارسا مهر؛ مؤلفه‌های تدوین خط‌مشی‌های عمومی در دولت اسلامی با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی (با محوریت بیانات مقام معظم رهبری) از داود حسین‌پور و همکاران و پژوهش‌های دیگری از این دست.

اما درباره‌ی مفهوم و نظریه‌ی دولت کارآمد و زوایای مختلف آن، خصوصاً در نظر و اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای، به‌عنوان دو اندیشمند و رهبر، پژوهش جامع و قابل توجهی صورت نگرفته است؛ درحالی‌که این بزرگواران در فرمایشات خود بر دولت و دولت-ساز و کارآمدی آن تأکید فراوانی کرده‌اند. با توجه به خلأ پژوهشی درباره‌ی نظریه بومی و دینی دولت کارآمد و نیاز مبرم کشور به توسعه همه‌جانبه، ضرورت دارد تا نظریه‌ای درباره‌ی دولت کارآمد به لحاظ بومی داشته باشیم که پژوهش حاضر درصدد پر کردن این خلأ و نیاز نظری و اندیشه‌ای است.

۲. چارچوب نظری و مفهومی

۱-۲. دولت، دولت اسلامی

دولت از لحاظ لغوی در زبان فارسی به معنای متعددی آمده است: «ثروت و مال»، «سعادت و طالع»، «جاه و مکت»، «مدد و کمک»، «مال اکتسابی و موروثی» و نیز «حکومت، سلطنت، هیئت وزیران» (دهخدا، ۱۳۷۷، معین، ۱۳۸۶، مدخل حرف د). دولت در زبان لاتین با واژه‌ی state شناخته می‌شود که از ریشه لاتینی stare، به معنای ایستادن و از کلمه انگلیسی status، به معنای وضع مستقر و پابرجا مشتق شده است (وینسنت، ۱۳۷۱، ص ۳۵).

امروزه تعریف رایج دولت با چهارعنصر حقوقی «قلمرو یا سرزمین، عنصر انسانی یا جمعیت، حکومت یا قدرت سیاسی و حاکمیت» صورت می‌گیرد: «گروهی از مردم (جمعیت) که در قلمرو معین (سرزمین) سکونت داشته و تحت اصول منظم (قانون) به طور مستقل و دائم زندگی می‌کنند و فرمان‌بردار قانون صادره از یک مقام عالی (حاکمیت) می‌باشند» (شعبانی، ۱۳۸۶، ص ۳۴).

از طرفی، دولت به مفهومی که امروزه به اذهان متبادر می‌شود، مولود تکامل جامعه انسانی است. اجتماع بشری به حکم طبیعت یا ضرورت، امری اجتناب‌ناپذیر است. به تعبیر ارسطو (۱۹۸۸، ص ۱۴)، «انسان طبیعتاً حیوانی اجتماعی است»؛ به‌طوری‌که زندگی بدون دولت در جهان معاصر تقریباً غیرقابل تصور و باور است. بر اساس این تعریف می‌توان گفت که چگونگی شکل‌گیری و

.....
1 . Man is by nature a political animal

ماهیت دولت به‌طور معمول توسط یک قانون اساسی (مدون یا نامدون) تعیین می‌شود (گرجی از ندریانی، ۱۳۸۹، ص ۱۴). البته ناگفته نماند که گاه نظریه‌پردازان واژه‌ی دولت را با واژه‌ی «کشور»^۱ مترادف به کار می‌برند. گاهی هم برای جلوگیری از ابهام ناشی از کاربرد عامیانه دولت، ترکیب «دولت - کشور» را ترجیح داده‌اند و گاهی نیز «نظام سیاسی»^۲ یا «نهاد اجرایی کشور» با دولت مترادف انگاشته می‌شود (ابوالحمد، ۱۳۸۴، ص ۵۸). اما مفهوم دولت در علم سیاست و روابط بین‌الملل، دارای معنایی فراتر می‌باشد. دولت، بزرگ‌ترین سازمان‌بندی گروه انسانی است، قدرت سیاسی در آن به جریان می‌افتد و عالی‌ترین تجلی قدرت نیز نام گرفته است (جمالی، ۱۳۸۰، ص ۲۳۶).

اندیشمندان برای این واژه تعاریف بسیاری ارائه نموده‌اند. تعریف برگزیده‌ی ما تعریف داریوش آشوری است که دولت را «ساخت قدرتی» می‌داند که «در سرزمینی معین بر مردمانی معین تسلط پایدار دارد و از نظر داخلی، نگرهبان نظم به شمار می‌آید و از نظر خارجی، پاسدار تمامیت سرزمین و منافع ملت و یکایک شهروندان خویش به شمار می‌آید. این ساخت قدرت به صورت نهادها و سازمان‌های اداری، سیاسی، قضایی و نظامی فعلیت می‌یابد» (آشوری، ۱۳۷۳، ص ۱۶۲). بنابراین، دولت همان ساخت قدرت در کشور است و تعریفی که در این تحقیق به آن استناد می‌شود، همین تعریف عام سیاسی است. همچنین مراد از دولت اسلامی، دولتی دینی است که ارزش‌ها و اصول خود را از دین اسلام می‌گیرد و در امورات خود پایبند به اصول اسلامی است. البته دینی بودن دولت اسلامی، هرگز به معنای ایدئولوژیک بودن آن نیست؛ زیرا هر چند که دولت‌های دینی نیز همانند دولت‌های غیردینی ممکن است در شرایط زمانی و مکانی ویژه‌ای گرایش‌های ایدئولوژیک نشان دهند؛ اما اصولاً مقوله‌ی دین بسیار گسترده‌تر و فراگیرتر از ایدئولوژی‌ها است (رک. فیرحی، ۱۳۸۰).

۲-۲. کارآمدی

کارآمدی دارای تعاریف و کاربردهای متعددی، به ویژه در سه حوزه‌ی اقتصاد، مدیریت و سیاست است. این واژه در لغت به معنای «درخور بودن، به کار آمدن، مفید بودن، خدمت کردن» (دهخدا،

- 1 . Country
- 2 . political system

۱۳۷۷، ص ۱۱۷) و «تأثیر، سودمندی، اثربخشی، کارایی و فایده» (جعفری، ۱۳۷۷، ص ۹۷) و کلمه‌ی کارآمد به معنای «کارآموده، شایسته، کامل و سودمند» (عمید، ۱۳۹۰، ص ۸۰۷) و «کاردانی، کارآموزگی، شایستگی و آنچه که سودمند باشد» (معین، ۱۳۸۶، ص ۲۷۹۷) به کار رفته است.

در زبان انگلیسی کارآمدی معادل واژه‌ی «Effectiveness» است که با کلماتی مانند کارایی، کارآمدی، تأثیر، تأثیرگذاری، اثربخشی مترادف است (حق شناس، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۷۷). همچنین واژه‌های «Effect» به معنای اثر، تأثیر نتیجه و «Efficiency» به معنای لایق، باکفایت و کارآمد و «Effective» به معنای مؤثر، کارآمد و ثمربخش مورد استفاده است (فرهنگ لغت آکسفورد، ۲۰۰۰، ص ۱۰۷). البته مفهوم کارآمدی با مفاهیم بهره‌وری، کارایی و اثربخشی نیز رابطه‌ی تنگاتنگی دارد (رک. دراگر،^۱ ۱۹۶۳، ص ۵۸-۶۵؛ پریچارد،^۲ ۱۹۹۵).

اما کارآمدی در فرهنگ علوم سیاسی به «اثربخشی، تأثیر، توانایی نفوذ، کفایت، قابلیت و لیاقت» (آقابخشی، ۱۳۷۹، ص ۴۴۶) و نیز «موفقیت در تحقق اهداف با توجه به امکانات و موانع» (فتحعلی، ۱۳۸۲، ص ۷) معنا شده است. گاهی کارآمدی با کارایی مترادف گرفته شده و این‌گونه تعریف شده است: «قابلیت و توانایی رسیدن به هدف‌های تعیین شده و مشخص» (آقابخشی، ۱۳۷۹، ص ۴۴۶).

در حقیقت، کارآمدی را می‌توان بیانگر قابلیت و توانایی یک نظام سیاسی - اجتماعی در رسیدن به اهداف تعیین شده و حل مشکلات جامعه دانست. بنابراین، کارآمدی درخصوص دولت‌ها و حکومت‌ها، بیانگر قابلیت و توانایی اداره‌ی هر کشور توسط مدیران و کارگزاران شایسته‌ی آن است که ایفای بهینه‌ی کارویژه‌های دولت، تحقق اهداف و دستیابی به پیشرفت و موفقیت و کسب حداکثر رضایتمندی مردم را به دنبال دارد (رک. اخوان کاظمی، ۱۳۸۶). بنابراین، کارآمدی عبارت است از: «کارایی و موفقیت در تحقق اهداف با توجه به امکانات و موانع». طبق این تعریف که کارآمدی بر اساس رابطه تحقق اهداف با توجه به امکانات و موانع و تأثیر در موفقیت و پیشرفت سنجیده می‌شود.

1 . Druker

2 . Pritchard

نظریات مختلفی پیرامون کارآمدی مطرح شده است که به طور کلی می‌توان شاهد چهار گفتمان در این باره بود:

الف. گفتمان دولت‌محور: این نظریه توسط ودر و ویلسون^۱ مطرح شد. به نظر وی، اثربخش بودن دولت در اثر تفکیک و جداسازی میان سیاست و مدیریت است، زیرا سیاست وارد فراز و نشیب‌های قدرت و ایدئولوژی می‌شود؛ اما اداره‌ی دولت به دانشی مانند مدیریت دولتی نیاز دارد که دانشی غیرسیاسی است. بنابراین، اگر اداره‌ی کشور توسط مدیران دولتی و غیرسیاستمداران صورت گیرد، آن دولت کارآمد خواهد بود (رک. ویلسون، ۱۸۸۷).

ب. گفتمان بازار محور: به نظر فردریش فون هایک^۲ مسئله‌ی اساسی یک نظام سیاسی در عرصه‌ی اقتصادیش، هماهنگی بین منابع متعدد است و نه کمبود منابع، زیرا خرده اقتصادهای گوناگون و متغیر که در عرصه جامعه پراکنده هستند، به صورت زنجیروار به هم پیوسته هستند و یک نظام اقتصادی کلان را می‌سازند اقتصادهای متکثر و پراکنده کل اقتصاد یا نظام اقتصادی جامعه را می‌سازند. از این رو، دولتی کارآمد است که بتواند در عرصه‌ی اقتصادی بین این خرده نظام‌ها هماهنگی ایجاد کند (رک. هایک، ۱۹۴۴). در واقع، نظریات هایک باعث شکل‌گیری یک الگوی توانمند و کارآمد در انتخاب فردی به جای تصمیم‌گیری دولتی و نظم درونی شد.

ج. گفتمان حوزه‌ی عمومی: یورگن هابرماس^۳ با تأکید بر مفهوم عقلانیت ارتباطی و حوزه عمومی معتقد است جامعه و دولتی کارآمد است که حوزه عمومی در آن بیشتر گسترش یافته باشد و قدرتش بیشتر شده باشد، زیرا زمینه‌ی عقلانی شدن دولت و سیاست بیشتر گسترش می‌یابد و فقط در حوزه عمومی جامعه می‌توان اهداف و خواست‌های معقول را تعیین و دولت و سیاست را عقلانی کرد و این امر از طریق کنش ارتباطی و توانایی‌های ارتباطی و کلامی لازم برای ایجاد جهانی عقلانی تحقق می‌یابد (رک. هابرماس، ۱۹۶۴، ۲۰۰۵).

د. گفتمان اسلام: مشروعیت و مقبولیت: بر اساس آموزه‌های دین مقدس اسلام، عقل به تنهایی نمی‌تواند ابزار شناخت و معرفت باشد؛ لذا خدای متعال، شریعت را از طریق پیامبران برای مردم

.....
1 . W. Wilson
2 . F.A, Hayek
3 . J. Habermas

ارسال نمود تا بر اساس آن مردم برنامه‌ی زندگی عمومی و خصوصی خود را تنظیم کنند. از نظر اسلام، زمانی کارآمدی دولت‌ها تحقق می‌یابد که براساس شریعت اسلام و مقبولیت مردمی روی کار آمده باشند و با در نظر داشتن شریعت و مصلحت عمومی مردم به وظایف خود عمل کنند و به اهدافش دست یابد (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ص ۲۷-۴۴).

۳. روش تحقیق: گرندد تئوری

این مقاله به دنبال ارائه‌ی الگو و نظریه‌ی کارآمدی دولت اسلامی و بررسی دلالت‌های عملی آن است. از آنجاکه مبنای نظری و زمینه‌ای پژوهش و تحلیل، بیانات رهبران انقلاب اسلامی است، از روش گرندد تئوری که از نوع کیفی- کمی و تحلیلی بهره برده شده است. برای گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای- اسنادی و مراجعه به کتب و نیز استفاده از نرم‌افزارهای سخنان امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای استفاده شده و برای طبقه‌بندی اطلاعات از نرم‌افزار مکس کیودا بهره گرفته شده است.

گرندد تئوری^۱ در زبان فارسی معادل «نظریه داده بنیاد» یا «نظریه مبتنی بر داده‌ها» به کار رفته است و ناظر به نوعی روش نظریه‌سازی است که مبتنی بر داده‌هایی است که از زمینه‌های خاص در پژوهش به دست می‌آید (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶، ص ۷۴). در واقع، نظریه داده‌بنیاد، یکی از روش‌های پژوهش کیفی است که بر مبنای کدگذاری باز، محوری و گزینشی و نیز ارتباط برقرار کردن بین داده‌ها، مفاهیم، مقوله‌ها و ابعاد، پارادایم و ماتریس داده‌ها را شکل می‌دهد و در نهایت، نظریه پژوهش را می‌سازد.

این نظریه توسط بارنی گلیزر^۲ و انسلم استراوس^۳ در سال ۱۹۶۷ در کتاب «کشف نظریه گرندد تئوری» و با هدف نظم‌دهی به تحقیقات کیفی و ایجاد نظریه از طریق داده‌های نظام‌مند به جامعه علمی معرفی گردید. کرسول (۲۰۱۲، ص ۳۹۶) در مقام تعریف این نظریه می‌گوید: «نظریه‌پردازی گرندد تئوری، روشی نظام‌مند و کیفی برای تولید نظریه‌ای است که یک فرآیند، کنش یا برهم‌کنش

- 1 . Grounded theory
- 2 . Barney G., Glaser
- 3 . Anselm, L., Strauss

را درباره‌ی یک موضوع خرد واقعی در سطح مفهومی کلی تشریح کند». به عبارت دیگر، در این روش، پژوهشگر کار را در عرصه‌ی واقعیت آغاز می‌کند و می‌گذارد تا نظریه یا الگو از درون داده‌هایی که گرد می‌آورد، پدیدار شود. خلاقیت پژوهشگر نیز از مصالح اصلی آن است و تحلیل در آن به معنای تقابل میان ذهن پژوهشگر و داده‌ها است؛ لذا بین داده و نظریه رابطه دوسویه وجود دارد (استراوس و کرین، ۱۳۹۱، ص ۳۴). در این روش، تولید نظریه یا ارائه‌ی الگو بر مبنای استقراء و قیاس صورت می‌گیرد و الگویی مفهومی - نظری ترسیم می‌شود که از رابطه‌ی توصیفی و تبیینی بین داده‌های جمع‌آوری‌شده و برقراری نظم مفهومی بین آن‌ها و صورت‌بندی‌شان در قالب مفاهیم، مقولات و ابعاد، در نهایت در یک طرح منطقی نظام‌دار ارائه می‌شود.

مارتین^۱ و ترنر^۲ (۱۹۸۶، ص ۱۴۱) در این باره می‌گویند: «نظریه‌گرند تئوری یک روش‌شناسی استقرائی کشف نظریه است که به پژوهشگر کمک می‌کند تا بر اساس مشاهدات تجربی از داده‌ها، گزارشی نظری از خصوصیات عمومی یک مسئله را بیوراند». اهمیت این روش‌شناسی زمینه‌ای در آن است که به تحلیل‌گر آگاهی و بصیرت را می‌دهد که بداند با پژوهش خود به کجا می‌خواهد برود. در این روش اطلاعات گردآوری‌شده به مجموعه‌ای از کدها، کدها به مقولات و مقولات به تئوری تبدیل می‌شود (دانایی فر و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۸). در واقع، ابتدا داده‌های مرتبط با موضوع گردآوری می‌شود و وقتی داده‌ها به نقطه اشباع رسید، در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی یا گزینشی خواهد شد که در طی این مراحل، به سه عنصر اساسی با عنوان مفاهیم، مقولات و قضایا دست یافته می‌شود (رک. لی، ۲۰۰۱؛ استراوس و کرین، ۱۹۹۸).



شکل شماره ۲: فرآیند کدگذاری داده‌ها

سپس یافته‌ها در فرآیند که زنجیره‌ی پیشرونده عمل/تعامل است، قرار داده می‌شود تا با کشف ویژگی‌ها، زمینه‌ها، بسترها، موقعیت‌ها، استراتژی‌ها، موانع و پیامدها و آثار، پارادایم و ماتریس

- 1 . Patricia, Y., Martin
- 2 . Barry A., Turner

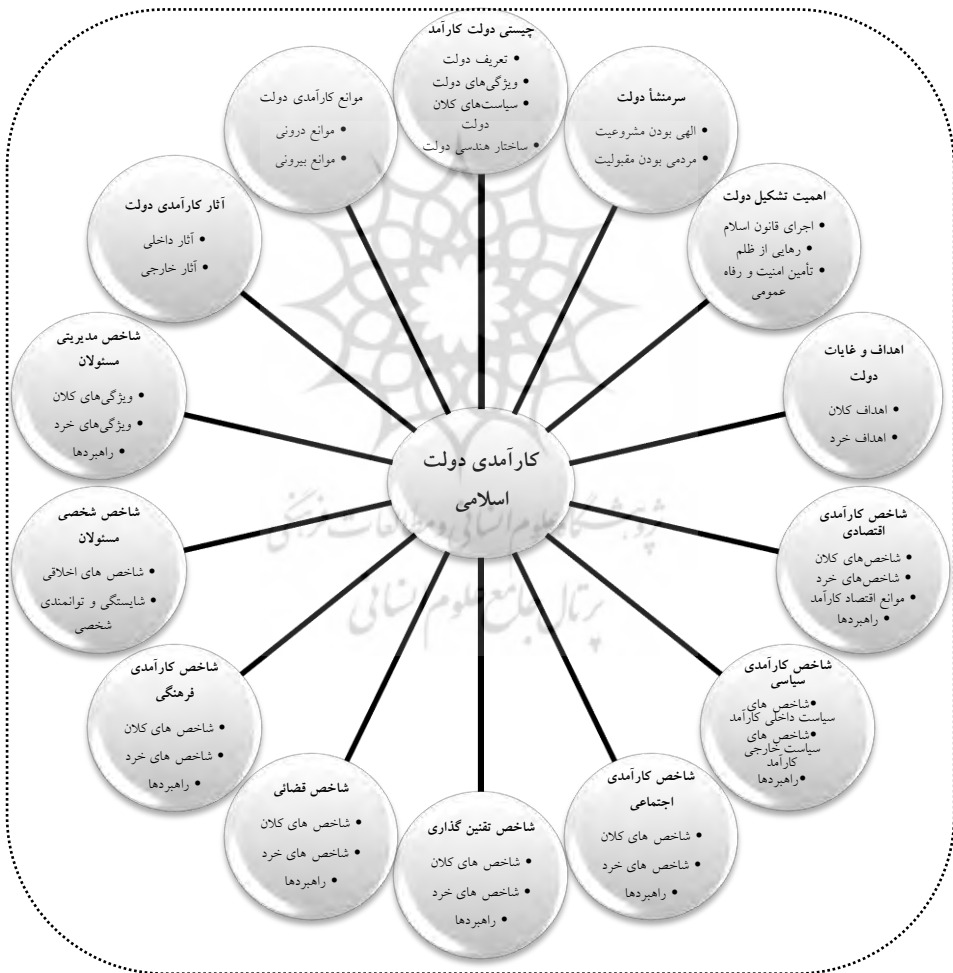
نظریه ساخته شود که ابزاری برای تحلیل است و فکر را در خصوص روابط میان شرایط/ پیامدهای کلان و خرد با یکدیگر و با فرآیند برمی‌انگیزاند. در واقع، کار الگو یا ماتریس، تعیین محل یک پدیده در یک بستر یا زمینه به معنای تشریح منظم، منطقی و به هم پیوسته‌ای است که متضمن تعیین ماهیت روابط بین رویدادهای مهم و پدیده‌ها است (رک. استراوس و کرین، ۱۹۹۸، ص ۱۸۳-۲۱۸). به همین دلیل، در این روش بین داده‌ها و نظریه، رابطه‌ای دو سویه وجود دارد؛ پس هم پژوهشگر به‌عنوان کنشگر فعال و هم داده‌ها به‌عنوان کنش‌های معنادار در ساخت نظریه یا الگو حضور دارند. نظریه مجموعه به هم پیوسته از سازه‌ها، مفاهیم، تعاریف و گزاره‌هاست که به منظور تبیین و پیش‌بینی پدیده‌ها از طریق تشخیص روابط بین متغیرها، دیدگاه نظام یافته‌ای از روابط پدیده‌ها را ارائه می‌کند.

۴. یافته‌های پژوهش

در مرحله نخست، از مجموعه صحیفه امام خمینی (ره)، نرم‌افزار «به‌سوی نور» و سایت مقام معظم رهبری کمک گرفته شد تا از همه‌ی فرمایش‌های این دو بزرگوار برای دست یافتن به نظریات‌شان پیرامون کارآمدی دولت بهره گرفته شود. از این رو، بیانات گهربار این دو رهبر انقلاب، شامل سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها، پیام‌ها، متن اصلی برای پژوهش و استخراج مفاهیم و مقولات به شمار می‌آید. به همین جهت و با استفاده از تکنیک تلخیص در تحلیل محتوا، ابتدا مطالب مرتبط با موضوع با جستجوی کلیدواژه‌های تحقیق، مانند «کارآمدی»، «دولت» و «کارآمدی دولت» در بیانات این دو بزرگوار شناسایی و نمونه‌گیری نظری^۱ بر اساس اطلاعات علمی نویسنده و چارچوب کلی اندیشه‌ی امام و رهبری انجام شد. نمونه‌گیری اطلاعات تا زمانی که اشباع نظری رخ داد، ادامه یافت. اعتبار و پایایی پژوهش نیز بر اساس اشباع نظری و تکرار مقولات انجام گرفت. گستره زمانی بیانات امام خمینی (ره) از سال ۱۳۲۳ تا ۱۳۶۸ و بیانات مقام معظم رهبری از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۹۹ بوده است.

۱. نمونه‌گیری نظری، نوعی نمونه‌گیری هدفمند است و پژوهشگر را در تولید یا کشف نظریه یا مفاهیمی که ارتباط نظری آن‌ها با نظریه در حال تکوین به اثبات رسیده، یاری می‌کند.

بعد از جمع‌آوری داده‌ها، برای تحلیل مطالب و کدگذاری اطلاعات جهت تحلیل متن و ارائه الگو و نظریه، از نرم‌افزار MAXQDA بهره گرفته شد. با کدگذاری باز، به ۱۳۴۵ مفهوم پایه و اولیه دست یافتیم و سپس در مرحله کدگذاری محوری و انتخابی و طی فرآیند رفت و برگشتی داده‌ها و تجمع کدها بر اساس تفاوت‌ها، شباهت‌ها، مقایسه‌ی موارد و ویژگی‌ها، ۳۹ مقوله فرعی و سپس ۱۴ مقوله اصلی را به دست آوردیم. سپس بر مبنای یافته‌ها و کدها، شبکه مضامین و تم مرکزی کارآمدی دولت اسلامی را ترسیم نمودیم. در شکل ذیل، شبکه مضامین مفاهیم و مقولات پژوهش نمایش داده شده است.



شکل شماره ۳: شبکه مضامین کارآمدی دولت

طبق الگوی گرنرد تئوری، خط ارتباطی میان مقوله‌های پژوهش شامل شرایط علی، زمینه‌ها و بسترهای شکل‌گیری، شرایط تأثیرگذار و مداخله‌گر، راهبرد و پیامدها و موانع مشخص شد و در نهایت، ماتریس نظریه کارآمدی دولت ایجاد گردید. به دلیل این که در کدگذاری و مفهوم‌بندی و مقوله‌بندی داده‌ها نهایت دقت صورت گرفته است؛ لذا می‌توان مدعی شد که الگو و نظریه مستخرج در این مقاله، همان نظریه‌ی دولت کارآمد اسلامی مورد نظر امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری است. ماتریس نظریه بر مبنای روش گرنرد تئوری در پنج مرحله ارائه می‌گردد که عبارت است از:

۱. چیستی و تعریف دولت کارآمد اسلامی: اینکه پدیده و ماهیت دولت کارآمد اسلامی چیست و سیاست، ساختار؛ اهداف و ویژگی‌های آنچه می‌باشد، در این مرحله مشخص می‌شود. در این مرحله، مقوله‌ی «چیستی دولت کارآمد اسلامی» قابل تطبیق است که با چهار مقوله‌ی فرعی (یعنی تعریف دولت اسلامی، ساختار هندسی دولت، ویژگی‌های دولت اسلامی، سیاست‌های کلان دولت اسلامی) این بُعد از بحث دولت کارآمد را توضیح و تحلیل می‌کند.

۲. شرایط و زمینه‌های شکل‌گیری و تحقق دولت کارآمد اسلامی: بسترهای زمینه‌ساز شکل‌گیری، شرایطی است که روی پدیده‌ی دولت اثر می‌گذارند و سپس باعث تحقق یا گسترش آن می‌شوند. این شرایط شامل سه دسته‌ی علی و زمینه‌ای؛ سیاسی-اجتماعی و غایی است. سه مقوله از ۱۴ مقوله‌ی اصلی تحقیق، جزء شرایط و بسترهای زمینه‌ساز ایجاد دولت کارآمد اسلامی است که شامل: سرمنشأ دولت کارآمد اسلامی (علی: مشروعیت الهی؛ زمینه‌ای: مقبولیت مردمی)؛ ضرورت تشکیل دولت کارآمد اسلامی (سیاسی-اجتماعی)؛ اهداف و غایات دولت کارآمد اسلامی.

۳. عوامل تأثیرگذار یا فرآیندهای مؤثر در کارآمدی دولت اسلامی: فرآیندهای کنش تعاملی و کارکردها و عملکردهایی که توسط دولت صورت می‌گیرد، مستقیماً روی کارآمدی آن تأثیر می‌گذارد. از میان ۱۴ مقوله اصلی تحقیق، ۸ مقوله مربوط به این مرحله می‌شود که عبارت است از: شاخص کارآمدی سیاسی؛ شاخص کارآمدی اقتصادی؛ شاخص کارآمدی فرهنگی؛ شاخص کارآمدی اجتماعی؛ شاخص تقنین‌گذاری؛ شاخص قضائی؛ شاخص شخصی مسئولان؛ شاخص مدیریتی مسئولان. با توجه به اینکه گستره‌ی بیشتری از مفاهیم و مقولات در این مرحله قرار می‌گیرد، می‌توان مدعی شد که بااهمیت‌ترین و تأثیرگذارین مرحله نظریه کارآمدی دولت اسلامی در

اینجا است.

۴. موانع کارآمدی دولت: دولت در مسیر فعالیت و کارکردهای خود با متغیرهای بازدارنده‌ای روبه‌رو می‌شود که ممکن است مانعی جهت کارآمدی آن باشد. مقوله موانع درونی و بیرونی کارآمدی دولت، این مرحله را بررسی می‌کند.

۵. آثار و نتایج کارآمدی دولت اسلامی: آخرین مرحله ماتریس نظریه کارآمدی دولت، شامل بررسی پیامدهای کارآمدی دولت است؛ یعنی دولتی که در زمینه‌ها و بسترهای بیان‌شده شکل گرفت و با فرآیند کنش تعاملی مشخص شده، کارکرد و به فعالیت پرداخت، قطعاً پیامدهایی را در پی خواهد داشت که مقوله‌ی آثار داخلی و خارجی کارآمدی دولت این مرحله را تشریح می‌کند.

جدول ذیل، مفاهیم و مقولات پژوهش را در قالب پنج مرحله ماتریس روش‌گردد تئوری نشان می‌دهد:

جدول شماره ۱: پنج مرحله الگوی نظریه کارآمدی دولت اسلامی

ردیف	پارادایم	مقولات اصلی	مقولات فرعی	تعداد مفاهیم پایه
۱	چستی پدیده دولت	چستی دولت کارآمد اسلامی	تعریف دولت اسلامی	۱۷
			ساختار هندسی دولت اسلامی	۵
			ویژگی‌های دولت اسلامی	۲۵
۲	متغیرهای زمینه‌ساز یا بسترها و شرایط تحقق و شکل‌گیری دولت کارآمد	سرمنشأ دولت کارآمد اسلامی	الهی بودن مشروعیت دولت اسلامی	۲۲
			مردمی بودن مقبولیت دولت اسلامی	۱۸
		اهمیت و ضرورت تشکیل دولت کارآمد اسلامی	اجرای قانون اسلام در بطن جامعه و حکومت	۸
			رهایی از ظلم و استبداد و استعمار	۷
			تأمین امنیت، رفاه عمومی، پیشرفت و برقراری عدالت	۴
		اهداف و غایات دولت کارآمد اسلامی	اهداف کلان دولت کارآمد اسلامی	۳۷
			اهداف خرد دولت کارآمد اسلامی	۴۷

ادامه جدول شماره ۱: پنج مرحله الگوی نظریه کارآمدی دولت اسلامی

ردیف	پارادایم	مقولات اصلی	مقولات فرعی	تعداد مفاهیم پایه
۳	عوامل مؤثر یا فرآیند کارآمد دولت	شاخص‌های کارآمدی سیاسی دولت	شاخص‌های سیاست داخلی کارآمد	۶۱
			شاخص‌های سیاست خارجی کارآمد	۶۴
			راهبردهای دستیابی به سیاست کارآمد	۸۹
		شاخص‌های کارآمدی اقتصادی دولت	شاخص‌های کلان کارآمدی اقتصادی	۹۵
			شاخص‌های خرد کارآمدی اقتصادی	۴۱
			موانع اقتصاد کارآمد	۱۵
			راهبردهای دستیابی به اقتصاد کارآمد	۱۶۹
		شاخص‌های کارآمدی فرهنگی دولت	شاخص‌های کلان کارآمدی فرهنگی	۱۵
			شاخص‌های خرد کارآمدی فرهنگی	۱۲
			راهبردهای دستیابی به کارآمدی فرهنگی	۲۴
		شاخص‌های کارآمدی اجتماعی دولت	شاخص‌های کلان کارآمدی اجتماعی	۴۹
			شاخص‌های خرد کارآمدی اجتماعی	۶
			راهبردهای دستیابی به کارآمدی اجتماعی	۱۱۶
		شاخص‌های کارآمدی در عرصه تقنین گذاری	شاخص‌های کلان کارآمدی تقنین گذاری	۱۴
			شاخص‌های خرد کارآمدی تقنین گذاری	۱۸
			راهبردهای دستیابی به کارآمدی تقنین گذاری	۱۲
		شاخص‌های کارآمدی در عرصه قضائی	شاخص‌های کلان کارآمدی قضائی	۲۴
			شاخص‌های خرد کارآمدی قضائی	۲۲
			راهبردهای دستیابی به کارآمدی قضائی	۲۴
		شاخص‌های کارآمدی در عرصه ویژگی‌های شخصی مسئولان	ویژگی‌های اخلاقی	۴۱
توانمندی، شایستگی و قابلیت شخصی	۴۱			
ویژگی‌های کارآمدی در عرصه مدیریتی مسئولان	ویژگی‌های کلان مدیریتی	۳۳		
	ویژگی‌های خرد مدیریتی	۲۳		
	راهبردهای دستیابی به مدیریت کارآمد	۵۸		

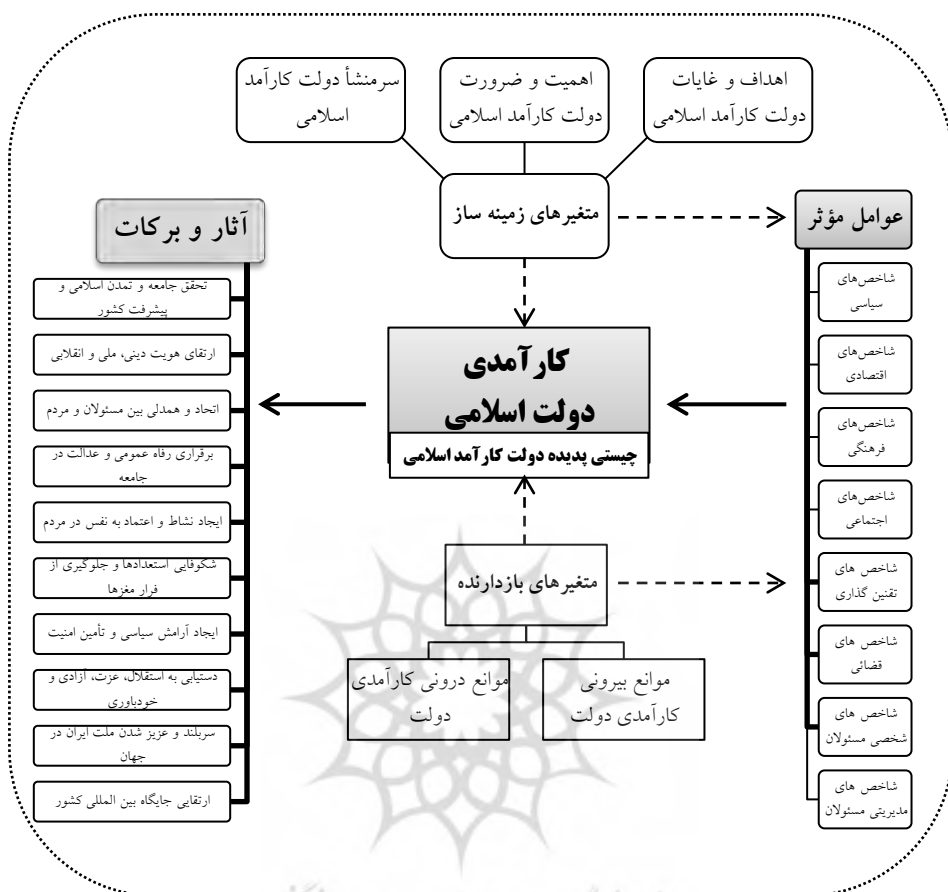
ادامه جدول شماره ۱: پنج مرحله الگوی نظریه کارآمدی دولت اسلامی

ردیف	پارادایم	مقولات اصلی	مقولات فرعی	تعداد مفاهیم پایه
۴	متغیرهای بازدارنده	موانع کارآمدی دولت	موانع و عوامل درونی کارآمدی دولت	۱۸
			موانع و عوامل بیرونی کارآمدی دولت	۸
۵	آثار یا نتایج و پیامدهای کارآمدی دولت	آثار و برکات کارآمدی دولت	آثار و نتایج داخلی کارآمدی دولت	۳۴
			آثار و نتایج خارجی کارآمدی دولت	۱۱
جمع کل		۱۴ مقوله اصلی	۳۹ مقوله فرعی	۱۳۴۵ مفهوم پایه

همان‌طور که از فراوانی عددی و درصدی مفاهیم زیرمجموعه‌ی مقولات اصلی و فرعی قابل مشاهده است، مقوله‌ی «شاخص‌های کارآمدی اقتصادی دولت» و سپس «شاخص‌های کارآمدی سیاسی دولت» دارای بیشترین فراوانی است که این معنادار می‌باشد. پس می‌توان نتیجه گرفت که بهره‌وری اقتصادی و سیاسی، رابطه و تأثیر مستقیمی در کارآمد بودن دولت دارد.

با توجه به مباحث بیان‌شده، مدل فرآیند کیفی پژوهش و الگوی کارآمدی دولت اسلامی به صورت شکل شماره ۴ قابل تصور است.

نکته‌ی قابل توجه آن‌که پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش گردن‌تئوری و با وجود اینکه مفاهیم پیرامون این موضوع بسیار زیاد و گسترده بود و لذا کدگذاری و دسته‌بندی و طبقه‌بندی آن‌ها دشواری فراوانی داشت و زمان مضاعفی می‌طلبید؛ با این حال، این گستردگی مفاهیم باعث شد تا نظرات پژوهشگر در نتایج و یافته‌ها تأثیرگذاری بسیار اندکی داشته باشد. از این رو، می‌توان گفت که روایت نظریه‌ی کارآمدی دولت، کاملاً منطبق با دیدگاه و نظریه‌ی رهبران انقلاب است. همچنین برای اطمینان روایی پژوهش و دقیق بودن یافته‌ها اقدامات ذیل انجام شد: الف. تطبیق با خطوط کلی اندیشه و منظومه‌ی فکری امام و رهبری؛ ب. مشورت گرفتن از اساتید در کدگذاری‌ها و نیز تحلیل و تفسیر داده‌ها.



شکل شماره ۴: ماتریس نظریه کارآمدی دولت اسلامی

۵. گزاره‌های حکمی یا قضایای پژوهش

بر اساس مؤلفه‌های مرحله کدگذاری محوری، قضایای زیر به دست می‌آید که روایت نظریه کارآمدی دولت اسلامی را می‌سازد. همان‌طور که قبلاً بیان شد در روش گرنند تئوری، منظور از الگو یا نظریه، مجموعه‌ای از مقوله‌های پرورده است که به صورت منظم و با عبارات و جملات بیان‌کننده ارتباط به یکدیگر متصل شده‌اند تا نظریه و الگو را روایت کنند. به عبارت دیگر، نظریه در این روش، مجموعه‌ی به‌هم‌پیوسته از سازه‌ها، مفاهیم، مقولات و تعاریف است که به‌منظور تبیین و پیش‌بینی پدیده‌ها از طریق تشخیص روابط بین متغیرها، روایت و دیدگاه نظام‌یافته و

سامان یافته‌ای از روابط بین پدیده‌ها و متغیرها را ارائه می‌دهد. قضایای به‌دست آمده از ارتباط بین مفاهیم در این پژوهش عبارت است از:

قضیه ی اول:

الف. دولت کارآمد اسلامی، دولتی است متشکل از مجموع دستگاه‌ها و نهادهای حکومتی و مدیریتی کشور که بر پایه‌ی ایمان دینی و اراده‌ی مردمی و شالوده‌ی نظام اسلامی بالنده، پیشرونده و پیرنشونده شکل گرفته است. دولتی که پایبند به احکام اسلام و غمخوار ملت ایران است و سازوکار و نهادسازی‌های لازم را برای ایجاد جامعه اسلامی و تحقق تمدن اسلامی در دستور کار خود دارد (رک. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۸-۲۰، ۲۷-۲۸، ۷۳؛ ج ۱۹، ص ۱۰۸؛ بیانات رهبری، ۱۳۷۷/۱۱/۲۱؛ ۱۳۸۳/۰۸/۰۶؛ ۱۳۸۴/۰۵/۲۸؛ ۱۳۸۷/۰۳/۰۷؛ ۱۳۹۰/۰۷/۲۴).

ب. ساختار و هندسه دولت کارآمد اسلامی، بر مبنای کارشناسی‌های صورت گرفته و بررسی آسیب‌ها و مزایای انواع مختلف ساختاری، جمهوری اسلامی به شکل نیمه‌ریاستی و بر پایه‌ی اصول اسلامی و مردم‌سالاری دینی است. البته امکان تغییر ساختار با حفظ اصول اسلامی وجود دارد (رک. بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴).

ج. ویژگی‌های اصلی دولت کارآمد اسلامی، بسترسازی جریان اندیشه دینی و اخلاق فاضله در کشور، برقراری مردم‌سالاری دینی بر دوپایه‌ی ایمان دینی و اراده‌ی مردم و نیز تکامل معنوی و تقسیم خیرات میان مردم است و همه‌ی این‌ها را در پرتوی تمسک به دین و تکیه به ملت و ذکر و توکل الهی کسب می‌کند و ارتقا می‌بخشد و نیز همیشه در میدان و صحنه‌ی اجتماع به صورت فعال، خدمتگزار، دلسوز، بانشاط و نفوذناپذیر حضور دارد. معیار سنجش چنین دولتی، عملکرد آن خواهد بود و از لحاظ کارکردی به ساختار وابسته است، نه افراد (رک. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۸-۲۱، ۲۷-۲۸، ۷۵-۷۶؛ ج ۲، ص ۴۷؛ ج ۱۹، ص ۶۳ و ۱۰۸؛ بیانات رهبری، ۱۳۷۴/۰۶/۰۸؛ ۱۳۷۷/۱۱/۲۱؛ ۱۳۸۰/۰۶/۰۵؛ ۱۳۸۳/۰۶/۰۴؛ ۱۳۸۲/۰۱/۲۱؛ ۱۳۸۲/۰۱/۰۱؛ ۱۳۸۲/۰۲/۱۷؛ ۱۳۸۵/۰۸/۱۹؛ ۱۳۸۵/۰۷/۱۸؛ ۱۳۸۶/۰۴/۰۹؛ ۱۳۸۶/۰۶/۳۱).

د. سیاست کلان دولت کارآمد اسلامی، توجه به نیازهای مادی و معنوی و رشد آن‌ها و برقراری عدالت اجتماعی و ایجاد رفاه عمومی در چارچوب اصول اسلامی است و همه‌ی این‌ها در راستای

تعهد و وظیفه‌ی اصلی دولت اسلامی، یعنی تحقق جامعه اسلامی و تمدن اسلامی است (صحیفه امام، ج ۹، ص ۸۲؛ بیانات رهبری، ۱۳۷۲/۰۵/۱۲؛ ۱۳۷۶/۰۵/۱۲؛ ۱۳۸۳/۰۳/۰۶؛ ۱۳۸۴/۰۵/۲۸؛ ۱۳۹۰/۰۷/۲۴).

قضیه‌ی دوم:

الف. الهی بودن مشروعیت و مردمی بودن مقبولیت، شرایط علی و سبب‌ساز و زمینه‌ای شکل‌گیری دولت کارآمد اسلامی است. به این معنا که نظام اسلامی بر پایه‌ی اسلام ناب و اراده و خواست مردمی شکل می‌گیرد و دولت مبتنی بر اصول شرعی و قانون اساسی را نظم می‌بخشد. در چنین دولتی رأی و خواست مردم با حفظ اصول اسلامی تعیین‌کننده است و مردم در تصمیم‌گیری‌های حکومت نقش اصلی دارند. در واقع، مردم صاحبان اصلی نظام اسلامی و مسئولان خدمتگزاران آن‌ها هستند (امام خمینی، ۱۳۸۵، ص ۴۴؛ ۱۳۷۲، ص ۱۱۷؛ صحیفه امام، ج ۳، ص ۱۰۵؛ ج ۵، ص ۳۴؛ ج ۱۰، ص ۵۳؛ ج ۱۱، ص ۳۵؛ ج ۱۹، ص ۳۵؛ بیانات رهبری، ۱۳۷۷/۱۱/۲۱؛ ۱۳۸۴/۰۱/۰۱؛ ۱۳۸۶/۰۳/۱۴).

ب. هدف غایی و نهایی شکل‌گیری دولت کارآمد اسلامی، دستیابی به قرب خدای متعال، ایجاد جامعه‌ی عادلانه‌ی پیشرفته‌ی اسلامی، برقراری عدالت و رسیدگی به محرومان و مشکلات مردم، رشد استقلال، آزادی و عزت ملی، تأمین امنیت همه‌جانبه، پیشرفت همه‌جانبه‌ی مادی و معنوی کشور و... است (رک. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۳، ۲۷، ۲۸، ۴۷، ۶۹، ۷۶، ۹۲، ۹۳، ۱۰۳، ۱۰۴؛ ج ۲، ص ۴۳؛ ج ۴، ص ۱۰۳-۱۰۸؛ ج ۱۲، ص ۲۶۶؛ ج ۲۱، ص ۱۰۷-۱۱۰؛ بیانات رهبری، ۱۳۷۰/۱۲/۰۱؛ ۱۳۷۳/۰۳/۰۸؛ ۱۳۷۶/۰۹/۰۷؛ ۱۳۸۳/۰۶/۳۱؛ ۱۳۸۰/۰۲/۲۸؛ ۱۳۸۵/۰۳/۲۹؛ ۱۳۸۷/۰۲/۱۴؛ ۱۳۸۸/۰۱/۱؛ ۱۳۹۲/۰۶/۰۶).

ج. اجرای قانون اسلام در بطن جامعه و حکومت، رهایی از ظلم و استبداد و استعمار و نیز تأمین امنیت، رفاه عمومی، پیشرفت و برقراری عدالت از جمله شرایط سیاسی - اجتماعی ضروری ساختن تشکیل دولت کارآمد اسلامی محسوب می‌شود. (رک. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۳-۲۴، ۴۷، ۷۶ و ۱۱۹؛ ج ۱۰، ص ۱۱۹-۱۲۱؛ ج ۱۳، ص ۱۸۸-۱۹۰؛ ج ۱۹، ص ۱۹۷-۲۰۸؛ ج ۲۰، ص ۱۰۹؛ بیانات رهبری، ۱۳۷۶/۰۹/۰۷؛ ۱۳۸۲/۱۱/۲۴؛ ۱۳۸۷/۰۲/۱۴).

قضیه ی ۳:

الف. شاخص های کارآمدی سیاسی، کنش مهم و تأثیرگذار در فرآیندهای کارکردی کارآمدی دولت اسلامی است. با اتحاد و همدلی بین ملت و مسئولان و پرهیز از حاشیه سازی ها و تشنج های سیاسی، دشمن شناسی، استکبارستیزی و مقاومت، حفظ عزت، استقلال و آزادی کشور، برقراری مردم سالاری دینی و تحکیم آن، حفظ اقتدار نظامی، هسته ای و دفاعی و رعایت عزت، حکمت، عدالت و مصلحت و هدفمندی در سیاست خارجی و دیپلماسی و نیز حمایت از مردم مظلوم و مبارز جهان، می توان به سیاست کارآمد دست یافت (رک. صحیفه امام، ج ۱، ص ۶۹، ۸۴ و ۱۳۹؛ ج ۴، ص ۱۰۳-۱۰۸؛ ج ۱۱، ص ۱۷۹-۱۸۰؛ ج ۱۸، ص ۲۵۱-۲۵۲؛ ج ۱۹، ص ۳۴-۳۶، ۴۱-۴۹، ۷۳، ۱۰۹، ۱۸۰، ۲۳۸-۲۴۰؛ ج ۲۰، ص ۷۱-۷۵؛ بیانات رهبری، ۱۳/۰۸/۱۳؛ ۲۱/۱۱/۳۷۷؛ ۲۵/۰۹/۱۳۷۹؛ ۲۶/۰۹/۱۳۸۲؛ ۰۴/۰۶/۱۳۸۳؛ ۲۸/۱۱/۱۳۸۵؛ ۳۱/۰۶/۱۳۸۶؛ ۱۴/۱۱/۱۳۹۰؛ ۱۵/۱۲/۱۳۹۲؛ ۲۵/۰۵/۱۳۹۳؛ ۱۶/۰۴/۱۳۹۳؛ ۲۵/۰۳/۱۳۹۵؛ ۱۲/۰۵/۱۳۹۶؛ ۲۴/۰۴/۱۳۹۷).

ب. شاخص های کارآمدی اقتصادی، مؤثرترین استراتژی های کنش تعاملی برای شکل دهی به نظریه ی کارآمدی دولت اسلامی هستند. با مدیریت دقیق و عالمانه ی منابع و ظرفیت های کشور، تکیه بر سیاست اقتصاد مقاومتی و بهره گیری از توانمندی علمی و هسته ای و جمعیت جوان کشور، بهبود و افزایش فضای کسب و کار و ایجاد اشتغال، توجه به رونق تولید، اولویت دادن به اقتصاد و اقتدار اقتصادی با توجه به شرایط کشور و در نهایت، مبارزه با عوامل مخرب بخش های گوناگون اقتصاد، از جمله مفسدان اقتصادی و اختلاس گران، می توان مدیریت جهادی در خودکفایی اقتصادی داشت و کار و تلاش را به گفتمان در فضای عمومی تبدیل نمود و اقتصاد را کارآمد کرد و به جایی رسید که نقش دولت در اقتصاد محدود به هدایت گری و نظارت باشد (رک. صحیفه امام، ج ۴، ص ۱۰۵؛ ج ۱۱، ص ۱۸۰ و ۲۲۲؛ ج ۱۹، ص ۲۳۹-۲۴۰؛ ج ۲۰، ص ۴-۵؛ بیانات رهبری، ۲۴/۰۲/۱۳۹۸؛ ۱۴/۰۳/۱۳۹۸؛ ۲۴/۰۴/۱۳۹۷؛ ۰۷/۰۶/۱۳۹۷؛ ۰۱/۰۱/۱۳۹۶؛ ۱۲/۰۵/۱۳۹۶؛ ۲۲/۰۳/۱۳۹۶؛ ۰۱/۰۱/۱۳۹۵؛ ۰۴/۰۶/۱۳۹۴؛ ۱۰/۰۲/۱۳۹۳؛ ۱۲/۰۵/۱۳۹۲؛ ۰۶/۰۶/۱۳۹۲؛ ۱۶/۰۶/۱۳۸۹؛ ۱۴/۰۲/۱۳۸۷؛ ۱۴/۰۳/۱۳۸۶؛ ۲۹/۰۳/۱۳۸۵؛ ۰۳/۰۳/۱۳۸۴؛ ۰۱/۰۱/۱۳۸۲؛ ۱۱/۰۵/۱۳۸۰؛ ۲۸/۰۲/۱۳۸۰؛ ۰۸/۰۶/۱۳۷۴؛ ۰۷/۰۴/۱۳۷۷).

ج. در استراتژی های کنش تعاملی دولت، شاخص های فرهنگی اهمیت و جایگاه خاص و

قابل توجهی به لحاظ برد عملیاتی دارد. اگر مدیریت فرهنگی بر اساس مبانی انقلابی و ارزش‌های اسلامی و نیز نشاط و ترویج امید به آینده در کشور صورت گیرد، فرهنگ اسلامی و انقلابی در کشور و نیز روحیه‌ی ایمان، ایثار و فداکاری در جامعه حفظ و تقویت شود، از جوانان مؤمن و انقلابی به‌عنوان عاملان فرهنگی و نیز از رسانه ملی جهت اطلاع دادن و توضیح دادن به مردم بهره گرفته شود و با تهاجم فرهنگی و جنگ روانی دشمن مقابله صورت گیرد، کارآمدی فرهنگی دولت اسلامی حاصل خواهد شد و به صورت عینی در جامعه نمایان می‌شود (صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳۴؛ بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۰۱/۰۱؛ ۱۳۹۴/۰۶/۰۴؛ ۱۳۹۳/۰۷/۲۶؛ ۱۳۹۲/۱۲/۱۵؛ ۱۳۹۲/۰۹/۱۹؛ ۱۳۸۷/۱۱/۲۸؛ ۱۳۸۵/۰۳/۲۹؛ ۱۳۸۳/۰۲/۲۸؛ ۱۳۸۲/۰۶/۰۵؛ ۱۳۸۱/۰۶/۰۴؛ ۱۳۸۰/۰۲/۲۸؛ ۱۳۸۰/۰۵/۱۱).

د. با قرار دادن نهضت خدمت‌رسانی به مردم و محرومان و برقراری عدالت اجتماعی به‌عنوان گفتمان اصلی دولت، داشتن پشتیبانی مردمی و تکیه بر نیروی مردم و اقدام به ریشه کن کردن فقر و محرومیت در کشور، کاهش تبعیض و شکاف و فاصله‌ی طبقاتی، حل مشکلات مردم و پاسخ‌گویی به آن‌ها، ایجاد امکان استفاده برابر از امکانات و فرصت‌ها و نیز امیدآفرینی و ایجاد نشاط در مردم، می‌توان در فرآیندهای کارکردی دولت به شاخص‌های کارآمدی اجتماعی دولت اسلامی دست یافت و آن را محقق نمود (رک. صحیفه امام، ج ۱، ص ۷۵-۷۶ و ۹۴؛ ج ۱۳، ص ۱۸۹؛ ج ۱۵، ص ۲۱۳؛ ج ۱۸، ص ۲۵۱-۲۵۲؛ ج ۱۹، ص ۳۵-۳۶ و ۱۰۹؛ ج ۲۱، ص ۱۰۷-۱۱۰؛ بیانات رهبری، ۱۳۹۶/۰۵/۱۲؛ ۱۳۸۸/۰۱/۰۱؛ ۱۳۸۷/۰۲/۱۴؛ ۱۳۸۵/۱۱/۳۰؛ ۱۳۸۵/۰۳/۲۹؛ ۱۳۸۴/۰۲/۱۷؛ ۱۳۸۲/۰۱/۰۱؛ ۱۳۸۲/۰۳/۱۴؛ ۱۳۸۲/۱۱/۲۴؛ ۱۳۸۱/۰۶/۰۴؛ ۱۳۸۰/۰۲/۲۸؛ ۱۳۷۴/۰۶/۰۸؛ ۱۳۷۶/۰۵/۱۲).

ه. از جمله فرآیندها و عوامل مهم در کارآمدی دولت اسلامی، کارآمدی در عرصه‌ی تقنینی و قانون‌گذاری است. لذا رعایت و اجرا نمودن شاخص‌هایی مانند قانون‌گذاری بر مبنای شریعت و عدالت؛ ایستادگی در مقابل قدرت‌های شیطانی و حفظ سیاست نه شرقی و نه غربی در تصویب قوانین؛ عدم تصویب قوانین مخالف شرع؛ رعایت اولویت‌ها و فوریت‌ها و نیازسنجی تقنینی و توجه به نیازها و مطالبات حقیقی مردم در قانون‌گذاری؛ توجه به احکام ثانویه در قانون‌گذاری، بهره‌گیری از افراد خبره در تشخیص موضوعات و اولویت‌ها؛ نظارت کارآمد بر اجرای قانون؛

همکاری با دولت و قوهی مجریه و دادن راهکار به آنان؛ پیوند با مردم و پرهیز از اسراف و هزینه نکردن بیت‌المال در امور شخصی و غیرضروری و... می‌تواند در کارآمدی دولت اسلامی مؤثر باشد (رک. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۸۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۴۷، ۳۶۱؛ ج ۱۳، ص ۹۹-۱۰۰؛ ج ۱۴، ص ۱۷، ۳۷۰ و ۳۷۱؛ ج ۱۷، ص ۲۴۵ و ۲۴۶؛ ج ۱۸، ص ۴۲۰ و ۴۶۶؛ ج ۱۶، ص ۳۹۷؛ بیانات رهبری).

و. کارآمدی در عرصه‌ی قضائی، یکی از کارکردها و فرآیندهای کنش تعاملی مؤثر در کارآمدی دولت اسلامی است. رعایت شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی در عرصه‌ی قضائی مانند داوری و قضاوت براساس شریعت، قانون، عدالت و انصاف؛ حفظ صلابت و اقتدار و پیشگیری از وقوع مفسده؛ گسترش و تقویت دانش قضائی در همه‌ی سطوح؛ استقرار امنیت اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی و...؛ مبارزه با فساد و مفسدان اقتصادی؛ کوتاه کردن فرایند دادرسی و روزآمد کردن و سرعت در رسیدگی به پرونده‌ها و استفاده از فناوری نو برای آن؛ حفظ عزت و حرمت قضات و توجه به سلامت اخلاقی آن‌ها؛ برنامه‌ریزی دقیق همراه با نظارت مستمر بر اجزاء این دستگاه بزرگ؛ پیگیری حقوقی مسائل و قضایای بین‌المللی؛ اصلاح زندان‌ها به سمت اصلاح افراد و... به طور مستقیم روی کارآمدی دولت اسلامی تأثیر دارد (رک. صحیفه امام، ج ۳، ص ۵۰۹؛ ج ۷، ص ۳۱۳؛ ج ۱۰، ص ۲۷۲؛ ج ۱۳، ص ۴۹، ۶۶، ۱۱۱؛ ج ۱۴، ص ۲۱۸-۲۱۴؛ ج ۱۸، ص ۳۴۴-۳۴۳؛ ج ۲۱، ص ۲۹۲ بیانات رهبری، ۱۳۹۸/۴/۵؛ ۱۳۹۶/۴/۴؛ ۱۳۹۷/۴/۶؛ ۱۳۹۵/۴/۹؛ ۱۳۹۴/۴/۷؛ ۱۳۸۸/۴/۷؛ ۱۳۸۷/۴/۵؛ ۱۳۸۶/۴/۷؛ ۱۳۸۴/۴/۷؛ ۱۳۸۳/۴/۷؛ ۱۳۶۸/۶/۲).

ز. از جمله عوامل مؤثر، ویژگی‌های شخصی و مدیریتی مسئولان است که بر عملکرد و کارکردهای کارآمدی دولت اسلامی تأثیر مستقیم دارد. مسئولانی که واجد صفات اخلاقی، توانمندی و شایستگی شخصی مانند پارسا و پاکدامن، مؤمن و انقلابی، با تقوا و با عدالت، با نشاط، مصمم، پیگیر و با کفایت هستند، و روحیه‌ی ایمان، فداکاری، تحرک، شجاعت انقلابی و مبارزه با فساد دارند و پست و مقام را امانت خدا می‌دانند و در همه‌ی کارها با هوشیاری و بصیرت و خودباوری و اعتمادبه‌نفس، به خدای متعال و وعده‌های او ایمان و اعتماد و اتکا دارند، می‌توانند در کارآمد بودن دولت اسلامی مؤثر باشند (رک. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۱۹؛ ج ۱۸، ص ۲۵۱؛ ج ۱۹، ص ۱۰۱؛ بیانات رهبری، ۱۳۹۸/۰۲/۲۴؛ ۱۳۹۸/۰۳/۱۴؛ ۱۳۹۷/۰۴/۲۴؛ ۱۳۹۳/۰۲/۱۰؛ ۱۳۹۲/۰۶/۰۶؛ ۱۳۹۰/۱۱/۱۹؛ ۱۳۸۸/۰۱/۰۱؛ ۱۳۸۴/۱۲/۰۸؛ ۱۳۸۳/۰۱/۰۲؛ ۱۳۸۲/۰۵/۱۵).

۱۳۷۹/۰۹/۲۵؛ ۱۳۷۰/۰۳/۲۸؛ ۱۳۷۲/۰۵/۱۲؛ ۱۳۶۸/۰۵/۱۸).

ح. ویژگی‌های مدیریتی مسئولان دولتی که تمام امور در دست‌ان آن‌ها جریان و سریان دارد، بر استراتژی‌های کنش تعامل و عملکرد و کارکردهای کارآمدی دولت اسلامی تأثیر مستقیم دارد. مسئولان و مدیرانی که خود را خدمتگزار مردم می‌دانند و در کارها و امورات کشور با مبنای قرار دادن اصول انقلاب و قانون‌گرایی و قانون‌مداری، مدیریت جهادی و عزم ملی در برقراری عدالت و حل مشکلات مردم و کشور دارند و از نیروهای انقلابی و پراگیزه و جوان و نیز از ظرفیت کارشناسان در تصمیم‌گیری‌ها بهره می‌برند و نیز ضمن داشتن احساس مسئولیت و تعهد نسبت به پست و مقام، هم انتقادپذیرند و هم پاسخ‌گویی مردم، می‌توانند دولتی کارآمد را بسازند و هم رضای الهی و هم رضایت مردم را به دست آورند و در دستیابی به اهداف موفق باشند (رک. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۰۲، ۱۰۸ و ۲۱۶؛ بیانات رهبری، ۱۳۹۷/۰۴/۲۴؛ ۱۳۹۷/۰۶/۰۷؛ ۱۳۹۲/۰۶/۰۶؛ ۱۳۹۶/۰۳/۲۲؛ ۱۳۹۴/۰۱/۰۱؛ ۱۳۸۵/۰۳/۱۴؛ ۱۳۸۴/۰۲/۱۱؛ ۱۳۸۰/۰۶/۰۵؛ ۱۳۸۱/۰۶/۰۴؛ ۱۳۷۹/۰۹/۲۵؛ ۱۳۷۴/۰۶/۰۸؛ ۱۳۷۰/۰۶/۰۳؛ ۱۳۷۲/۰۵/۱۲).

قضیه‌ی چهارم:

دولت کارآمد اسلامی در راه تحقق و نیز پیشرفت و دستیابی به اهداف، موانع و متغیرهای بازدارنده‌ای را خواهد داشت که با آگاهی از آن‌ها عبور و یا آن‌ها را کنار خواهد گذاشت و به مسیر بالنده‌ی خود ادامه خواهد داد. عواملی درونی و بیرونی متعددی مانع کارآمدی دولت اسلامی خواهد شد، مانند: تحریم‌های اقتصادی، توطئه‌ها و فتنه‌گری‌های آمریکا و قدرت‌های استعماری دیگر، دشمنی اشرار داخلی، تهاجم فرهنگی و شیخون فرهنگی، الگو گرفتن بی‌قید و شرط از نظریه‌پردازان غربی و شرقی و اسراف و مصرف‌گرایی افراطی، تفرقه و اختلاف، رواج فسق و فساد، ضعف فکری و ... (رک. بیانات رهبری، ۱۳۸۳/۰۲/۲۸؛ ۱۳۸۵/۰۳/۲۹؛ ۱۳۸۷/۰۲/۱۴).

قضیه‌ی پنجم:

زمانی که کارآمدی دولت تحقق یافت، دارای آثار و برکات فراوان داخلی و خارجی خواهد بود که هم جامعه و مردم و دولت ایران و هم مردم و دولت‌های منطقه و جهان از آن بهره‌مند خواهد شد؛

از جمله: زمینه‌سازی تحقق جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی و پیشرفت و توسعه‌ی همه‌جانبه کشور، ارتقای هویت دینی، ملی و انقلابی، دستیابی به عزت، استقلال، آزادی، خودباوری و پیشرفت، سربلند و عزیز شدن ملت ایران در جهان، ارتقای وجهه و جایگاه عزتمندان بین‌المللی کشور، اتحاد، همدلی و همراهی بین مسئولان و مردم، برقراری رفاه عمومی و عدالت اجتماعی در جامعه و وحدت کلمه بین فرق مختلف اسلامی، ایجاد آرامش سیاسی و ثبات امنیت و امید و نشاط و... (صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۳؛ ج ۹، ص ۸۲؛ ج ۹، ص ۸۲؛ ج ۱۰، ص ۱۱۹ و ۱۲۱؛ ج ۱۵، ص ۲۷۷؛ ج ۱۷، ص ۸۲؛ ج ۱۹، ص ۱۹۷، ۲۰۷-۲۰۸؛ بیانات رهبری، ۱۳۸۷/۱۱/۲۸؛ ۱۳۸۶/۰۷/۲۱؛ ۱۳۸۵/۰۳/۲۹؛ ۱۳۸۵/۰۳/۲۹؛ ۱۳۸۳/۰۲/۲۸؛ ۱۳۸۲/۰۲/۲۹؛ ۱۳۸۲/۱۱/۲۴؛ ۱۳۷۶/۰۵/۱۲؛ ۱۳۷۶/۰۹/۰۷؛ ۱۳۷۵/۰۶/۰۷؛ ۱۳۷۲/۰۵/۱۲؛ ۱۳۷۳/۰۳/۰۸).

۶. دلالت‌های عملی نظریه کارآمدی دولت اسلامی

خردمایه‌ی شکل‌گیری کارآمدی دولت اسلامی، بر پایه‌ی ساختار و نحوه‌ی تعامل و کنش دولت و مسئولان در جهت حل مشکلات نظام و مردم و دستیابی به اهداف است؛ اما به دنبال چالش‌ها و خلأهای موجود در حوزه‌های ساختار، فرآیند، شاخص‌ها و ویژگی‌های دولت و مسئولان باعث شده است که خروجی نظام اسلامی بعد از وقوع انقلاب اسلامی تبدیل به تأسیس دولت کارآمد اسلامی نشود و دولت‌هایی که روی کار آمده‌اند به دلیل خلأ نظری از مدل و الگویی که مبنای عمل قرار گیرد و به تبع ضعف در سیاست‌پژوهی، کم‌توجهی به عوامل مشروعیت‌بخشی و مقبولیت‌دهی به دولت، بی‌بصیرتی نسبت به شاخص‌ها و ویژگی‌های کارآمدی دولت و کم‌کاری در برداشتن موانع بازدارنده، دچار این تزلزل شده‌اند و نتوانسته‌اند کارآمدی دولت را ایجاد یا بهبود یا ارتقا ببخشند. بنابراین، با توجه به روایتی که از یافته‌های پژوهش و بر اساس روش‌گرند تئوری به دست آمد، به جهت کاربردی شدن بحث در بعد جامعه‌شناختی و سیاست‌گذاری آن، دلالت‌های عملی این نظریه در ادامه ارائه خواهد شد.

۱. چستی پدیده‌ی دولت کارآمد اسلامی در عرصه‌ی عملیاتی: بازسازی ساختار دولت به صورت شبکه‌ای بر مبنای هندسه‌ی الهی باید صورت گیرد. چرا که پدیده‌ی دولت، شبکه‌ای درهم‌تنیده است که دارای دو معنای ارگانیکی (اندام‌وار بودن) و مکانیکی (ابزارگونه بودن) است؛

یعنی هم دولت در یک مجموعه کل باید نگریسته شود و برای آن کمال، تعالی و اهداف والا و سرمنشأ الهی قائل شد و هم برای دولت ویژگی‌هایی مانند الهی بودن، مردمی بودن و دموکراسی دینی، جمهوریت، آزادی و استقلال و غیره را معتقد بود و نیز دولت را ابزاری برای تحقق اهداف کلان و خرد و نیز در خدمت مردم برای تعالی و پیشرفت و سعادت‌مندی آن‌ها برشمرد. در واقع، باید پدیده‌ی دولت به صورت شبکه‌ای و بر مبنای هندسه‌ی الهی شکل گرفته و تعریف شود و تا زمانی که تعریف و دیدگاه ما نسبت به پدیده‌ی دولت اسلامی بر مبنای یک کل و شبکه‌ای که ساختار، کارکرد، وظایف و ویژگی‌های آن بر اساس هندسه‌ی الهی و جهت اسلامی سامان و بنیان نهاده نشده است، نمی‌توان در بعد عملیاتی و جامعه‌شناختی شاهد جریان‌سازی اندیشه دینی و نیز ظهور کارآمدی و توسعه در بخش‌های مختلف بود.

در بحث اندازه‌ی دولت (دولت بزرگ یا گسترده / دولت کوچک) که در کارآمد بودن آن نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، باید به سمت تشکیل دولتی کوچک، پویا و تعاملی با ساختاری نظام‌مند رفت. لذا گستره‌ی وظایف دولت را باید در «نظارت، حمایت و هدایت» جامعه قائل شد و نقش بخش خصوصی، اجرای برنامه‌های تعدیل اقتصادی و خصوصی‌سازی، رقابتی کردن صنایع، آزادسازی قیمت‌ها، کاهش مداخله‌ی دولت در اقتصاد را پررنگ‌تر دانست. البته منظور از دولت کوچک پویا، با جهت‌گیری الهی و بدون الزامات نظریات دولت حداقلی در غرب است؛ به عبارت دیگر، نه دولت حداکثری که دولت در تمام ابعاد زندگی مردم دخالت کند، مانند دولت‌های سوسیالیستی و مارکسیستی شرق و نه دولت حداقلی که دولت از جامعه منفعل باشد، مانند دولت سرمایه‌داری غرب.

۲. متغیرهای زمینه‌ساز یا بسترها و شرایط تحقق و شکل‌گیری دولت کارآمد در عرصه‌ی عملیاتی: دولت اسلامی باید بر مبنای مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی شکل گیرد؛ اگر در هر کدام از این دو وجه دچار تزلزل باشد، در کارآمدی استراتژی‌های کنش تعامل و عملکردها و کارکردها و وظایفش تأثیر می‌گذارد. لذا دولت اسلامی علاوه بر مشروعیت الهی باید بتواند کارآمدی خود را در انجام کارویژه‌ها و وظایف اساسی خود نزد مردم و اتباعش به اثبات رساند. پیامدهای نامطلوبی مانند تشدید نابرابری‌های اجتماعی و افزایش فاصله طبقاتی و ایجاد طبقه‌ی ممتاز، موجب طرح پرسش‌های بنیادین در زمینه‌ی نقش دولت در ایجاد این پیامدها و تأثیر آن‌ها

بر روی مشروعیت نظام سیاسی و دولت می‌شود.

به عبارت دیگر، مشروعیت موردنظر اسلام در حقانیت، ناشی از الهی بودن نظام سیاسی تعریف می‌شود و مکانیزم تحقق مشروعیت الهی دولت اسلامی در دوره‌ی غیبت از طریق حضور عالم دینی عادل واجد شرایط در رأس قدرت و اداره‌ی جامعه بر اساس قوانین و آموزه‌های اسلامی صورت می‌پذیرد، ضمن اینکه تأکید اسلام بر مشروعیت الهی نظام سیاسی به معنای غفلت از نقش و جایگاه مردم در این زمینه نیست؛ بلکه اسلام نیز پذیرش و همراهی مردم را شرط تحقق دولت اسلامی و کارآمدی آن می‌داند. به عبارت دیگر، اسلام در این زمینه مشروعیت الهی را شرط لازم می‌داند؛ اما کافی نمی‌داند؛ یعنی علاوه بر این که مشروعیت الهی را شرط تحقق و دولت اسلامی برشمرده، بر ضرورت پذیرش و همراهی مردمی نیز به‌عنوان عنصر لازم در این زمینه تأکید کرده و مشروعیت الهی و مردمی را توأمان شرط و رکن شکل‌گیری، استقرار و کارآمدی دولت اسلامی دانسته است. به این ترتیب، منظور از مشروعیت شرعی یا حقانیت به همراه مقبولیت و پذیرش مردمی است. بنابراین، اگر نظام سیاسی و دولت اسلامی از درجه‌ی بالای قدرت، اقتدار، نفوذ و امکانات بهره‌مند باشد؛ اما از حقانیت ناشی از مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی برخوردار نباشد، کارآمد نخواهد بود. در نتیجه، در دولت اسلامی، قدرتی که از مشروعیت الهی برخوردار می‌شود نزد شهروندان مسلمان به‌عنوان قدرت برحق شناخته می‌شود که نسبت به حقانیت آن باور و ایمان قلبی دارند و این امر موجب می‌شود که مردم علاوه بر پذیرش و تمکین متعارف سیاسی، نوعی همراهی مبتنی بر باور و اعتقاد قلبی نیز با حاکمیت مبذول دارند که در اثر آن، تقویت و استحکام دولت اسلامی و افزایش کارآمدی آن حاصل می‌شود.

به این ترتیب، حضور ولی فقیه عادل واجد شرایط در رأس قدرت و اداره‌ی جامعه بر اساس قوانین و آموزه‌های اسلامی و نهادینه شدن ارزش‌های دینی و هنجارها و تحصیل و اعمال قدرت سیاسی براساس قانون رسمی و قانون‌گرایی و قانون‌مداری و کسب رضایت مردم با تأمین نیازهای اساسی مردم مانند رفاه و امنیت و پذیرش باورهای پذیرفته‌شده اجتماعی، دلالت‌های عملی در متغیرهای زمینه‌ساز یا بسترها و شرایط تحقق و شکل‌گیری دولت کارآمد است.

۳ و ۴. عوامل مؤثر و موانع کارآمدی دولت در عرصه‌ی عملیاتی: کارآمدی شامل مدیران توانمند و فعال و نیز برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی، سیاست‌گذاری و اجرای دولت در

حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌شود.

نظام مدیریتی دولت براساس منابع متعددی مانند منابع انسانی، مالی، اقتصادی، اجتماعی، اطلاعاتی، سیاسی و غیره شکل می‌گیرد و مدیریت می‌شود. اگر مدیران و کارگزاران در سطوح مختلف را به‌عنوان سرمایه‌ی انسانی دولت اسلامی در نظر بگیریم، باید جهت کارآمدی آن‌ها برنامه‌ریزی لازم در جذب، تأمین، اعتلا و ارتقای توانمندی‌شان از طریق شیوه‌ها و روش‌های نوین علمی و کاربردی صورت گیرد. متأسفانه در دولت‌های اسلامی شاهد ضعف مهارتی مدیران و کارکنان، جابجایی متناوب مدیران و کارگزاران در ساختار سازمان‌ها، عدم تقسیم کار تخصصی، ضعف در بوروکراسی اداری، ضعف در بهره‌گیری از شاخص‌های روشن و کارشناسی شده برای ارزشیابی عملکرد مدیران و کارکنان، نداشتن سامانه جامع جهت ثبت گزارشات کاری و عملکردی، ضعف در ارائه‌ی برنامه جامع و اجرای آن به صورت گام‌به‌گام، ضعف در به‌روزرسانی و اجرای برنامه‌های طراحی شغل و خلاقیت در کار، نارضایتی از میزان حقوق دریافتی، ضعف در استخدام کارکنان بر اساس صلاحیت و شایستگی و نیز ضعف اخلاقی و تقوایی کار برخی از مدیران و کارکنان و غیره هستیم که زمینه‌ساز به وجود آمدن ناکارآمدی مدیران و سیستم مدیریتی دولت و افزایش تعارضات و رضایت پایین مردم شده است.

در بحث مؤلفه‌های سیاسی دولت، در جمهوری اسلامی ایران، متأسفانه شاهد ضعف ساختاری دولت و بیگانگی سیاسی دولت با جامعه‌ی مدنی و عدم تعامل با جامعه؛ مطلق بودن قدرت؛ ساخت بسیار بزرگ دولت که سبب اقتدارگرایی آن شده است؛ نقش دولت به‌عنوان مشارکتی و تصدی‌گری به دلیل عدم برخورداری دولت از نقش تفویضی و مردم‌سالاری؛ دو وضعیتی بودن ساخت قدرت بین اشکالی از ساخت قدرت متمرکز (انباشت قدرت) و قدرت متکثر (توزیع قدرت) که مانع توسعه سیاسی شده است؛ تداخل، تکرار و تشابه وظایف سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی؛ تقسیم ناموزون و غیرمنطقی وظایف بین وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی؛ فقدان یا ضعف تخصص‌های موردنیاز؛ خلأهای قانونی و ضعف نظارت استصوابی و غیره هستیم که سبب ناکارآمدی دولت اسلامی شده است.

از منظر مؤلفه‌های اقتصادی، عواملی که سبب ناکارآمد شدن دولت جمهوری اسلامی ایران شده است، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: ساختار رانتی حاکم بر کشور که به علت ناکارآمدی نهادی

حکومت است و سبب انحصاری شدن قدرت می‌شود؛ درآمد ثابت نفتی و تکیه‌ی اقتصاد کشور بر آن که سبب بی‌نیازی دولت از جامعه مدنی و کم‌رنگ شدن نقش و جایگاه جامعه مدنی می‌گردد؛ عدم وجود رقابت در اقتصاد و انحصاری بودن که سبب زیر سؤال رفتن مشروعیت بوروکراسی دولتی می‌شود؛ وجود اقتصاد دولتی و شبه‌دولتی و مداخله در سیاست‌های سرمایه‌داری که سبب سلب مشروعیت دولت می‌گردد؛ به‌کارگیری نظام نوین مدیریت سرمایه‌داری در ساختار سنتی، ناکارآمد، درهم‌تنیده و انعطاف‌ناپذیر بنگاه‌های اقتصادی دولتی که توان و انگیزه‌ای برای پذیرش آن وجود ندارد؛ عدم ایفای نقش بازار از طریق انباشت سرمایه و عدم راه‌اندازی بخش خصوصی.

از لحاظ شاخص اجتماعی دولت در جمهوری اسلامی ایران، شاهد گفتمان سیاست اجتماعی و نهادینه شدن جامعه مدنی نیستیم. عدالت اجتماعی و نظام جامع رفاهی شکل نگرفته است و حتی شرایط سیاسی و اقتصادی و پیوند میان قدرت و ثروت و سیاست‌های همسو با منافع ثروتمندان، بیشتر به نابرابری اجتماعی دامن زده است؛ چنانچه علی‌رغم افزایش درآمدها، بهبود قابل‌توجهی در زندگی و کیفیت زندگی مردم دیده نمی‌شود. در واقع، زمانی که نهادهای حامی توسعه در جامعه به وظایف خود عمل نمی‌کنند، نهادهای ضد توسعه همچون فساد اداری حضور محسوس و وافی دارند. کشمکش سیاسی میان جناح‌های اصلی کشور بر سر منافع و قدرت، مانع از تدوین نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی و عدالت شده است. همچنین در ایران همواره دولت بزرگ به‌عنوان دولت مقتدر پنداشته می‌شده و وسعت نهادها و تشکیلات برابر با اقتدار دولت فرض بوده است؛ لذا سرمایه ملی، سرمایه دولتی تلقی می‌شود که هزینه آن بیش از هزینه رفاه مردم است. از طرفی، عدم نهادینه شدن نگرش اجتماعی و توسعه انسان‌محور سبب شده که تورم و کارکردهای کاهش ارزش پولی، لطمه‌ی شدید به منافع مردم و رفاه آنان و تأمین اجتماعی بزند.

از لحاظ شاخص‌های فرهنگی، ایران با توسعه‌نیافتگی فرهنگ سیاسی و گسترش فرهنگ سیاسی و اقتصادی غیرمولد و غیرارزشی مواجه است که بر ناکارآمدی نهادهای سیاسی و اجتماعی و متعاقباً رفتار سیاسی شهروندان جامعه به انحاء مختلف تأثیر می‌گذارد. این امر، سبب فقدان رقابت سالم و مدارا، رواداری سیاسی میان صاحبان قدرت با توده مردم و یا نخبگان منتقد، ایجاد فضای غیرمشارکتی، ترس، بدبینی، سیاست‌گریزی، تملق، چاپلوسی و فرصت‌طلبی شده است. عدم گردش نخبگانی و نیز نحوه‌ی نگرش آن‌ها سبب عدم مهندسی فرهنگی جامعه و نهادینه شدن

فرهنگ شده است.

در عرصه قانون‌گذاری، جمهوری اسلامی ایران با عدم حسن اجرا و نظارت بر قوانین، طولانی بودن فرایند قانون‌گذاری، عدم کارشناسی صحیح لوایح و طرح‌ها، عدم بهره‌گیری از افراد خبره در تعیین موضوعات، زیاد بودن طرح‌ها و لوایح ارائه‌شده به مجلس که فرایند طولانی‌ای جهت بررسی آن‌ها می‌طلبد؛ عدم اولویت‌بندی و نیازسنجی تقنینی، فاصله داشتن بین مجلس و قوه‌ی مجریه، عدم پیوند نمایندگان با مردم و توجه به نیازها و مطالبات به‌حق مردم، وجود افراد ذی‌نفوذ در بین برخی از نمایندگان که روی تصویب قوانین تأثیر می‌گذارند، تأثیر جناحی‌گری سیاسی در تصویب قوانین و رأی نمایندگان و... مواجهه است.

در حوزه‌ی قضایی، جمهوری اسلامی ایران با مسائل و مشکلاتی روبه‌رو است که مانع کارآمدی آن شده است، مانند: طولانی بودن و کند بودن روند بررسی پرونده‌ها، عدم نظارت کافی بر دستگاه قوه‌ی قضائیه، تأثیر افراد ذی‌نفوذ روی برخی قضات و تغییر رأی آن‌ها، نداشتن دانش قضایی کافی برخی قضات و کارکنان مجموعه، عدم سلامت اخلاقی برخی از زیرمجموعه‌های این دستگاه، عدم برنامه‌ریزی و اولویت‌بندی در امور، عدم توجه کافی به مسائل و حقوق بین‌المللی مرتبط با ایران و شهروندان ایرانی، عدم اتقان آرای صادره، تزلزل ادله اثبات دعاوی و وجود شاهدان دروغین، فرایند ناکافی کارشناسی پرونده‌ها و...

۵. راهکارهای کارآمدی دولت در عرصه‌ی عملیاتی: در این قسمت می‌توان به چند نوع راهکار اشاره کرد.

راه‌کارها و راهبردهایی که در کارآمدی منابع انسانی می‌توان پیشنهاد کرد، عبارت است از: تدوین برنامه‌ی جامع سرمایه انسانی و نحوه‌ی مدیریت آن، اصلاح فرایند استخدام و شاخص‌های گزینشی، ترفیع، ارتقاء و انتصاب، توجه به آموزش مهارتی و ارتقای و اخلاقی و برنامه‌ریزی کارشناسی شده جهت توانمندسازی مدیران و کارگزاران، اجرای کارآمد نظام ارزشیابی عملکرد و نظارت دقیق بر اجرای آن، اصلاح معیارهای نظام پرداختی، بسترسازی مناسب سازمانی و ساختاری و آگاهی‌بخشی جهت اجرای برنامه‌های تحول‌آفرین، کنترل سیاست‌زدگی سازمان‌ها و ساختارهای اداری، برنامه‌ریزی برای برنامه‌های انگیزه‌بخشی و اخلاقی جهت ایجاد هم‌دلی و

همراهی و همبستگی بین کارکنان و غیره.

راهکارهای مدیریتی معطوف به دولت عبارت است از: هماهنگی و انسجام درونی در نظام سیاسی؛ تأکید بر اسلامی بودن حکومت و دولت؛ برنامه داشتن دولت‌ها و اجرای آن‌ها؛ انتقادپذیر بودن و پاسخ‌گو بودن دولت و نظارت دقیق و هماهنگ و دوره‌ای بر عملکرد کارکنان و دستگاه‌ها؛ مدیریت علمی و کارآمد مسئولان؛ جذب نیروهای باتقوا و متخصص؛ مقابله با تغییر مداوم و گاه چرخشی مدیران؛ اتخاذ راهبردها و سیاست‌ها و تصمیمات بر اساس منافع ملی و متناسب با قدرت ملی و غیره.

راهکارهایی که منجر به کارآمدی سیاسی دولت می‌شود، عبارت است از: توجه به منافع ملی بر اساس مبانی اسلامی و کوچک شدن دولت از طریق راه‌اندازی بخش خصوصی و واگذاری تصدی کارها و کاهش تصدی‌گری دولت و مقابله با تمرکز و تأکید بر افزایش مشارکت مردم؛ استقلال نسبی دولت از جامعه مدنی و استقلال جامعه مدنی از دولت و تمهیداتی بابت مشارکت مدنی مردم؛ مهیا کردن شرایط برای ایجاد احزاب کارآمد به منزله‌ی حلقه‌ی واسط میان مردم و کارگزاران و تصمیم‌گیران سیاسی حکومت؛ محور بودن احزاب در مدیریت کشور؛ نهادینه کردن و حاکمیت قانون و شفاف‌سازی و عمل به قانون اساسی؛ انجام بهینه و دلسوزانه وظایف به ویژه تأمین امنیت و کمک به مستضعفان و تأمین رفاه مردم و غیره.

راهکارهای اقتصادی متوجه کارآمدی اقتصادی دولت، عبارت است از: عدم تمرکز بر درآمد نفتی و اقتصاد تک‌محصولی به منظور جلوگیری از استقرار یک نظام بسته سیاسی؛ تنظیم و تدوین برنامه‌های توسعه کشور بر اساس واقعیات و امکانات و محدودیت‌های کشور و اجرای آن‌ها؛ جلوگیری از فسادهای اقتصادی و اختلاس از طریق قانون‌مندی و قانون‌گرایی و برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی برای از بین بردن فرصت فساد و قانون‌های بازدارندگی و مجازات سنگین؛ تنظیم امور بودجه‌ای و مالی کشور بر اساس اقتصاد مقاومتی؛ اصلاح نظام اداری بر اساس شایسته‌سالاری و تخصص افراد؛ اجرای برنامه‌ی آزادسازی و خصوصی‌سازی و غیره.

در راهکارهای فرهنگی، برای کارآمدی دولت می‌توان گفت که مهم‌ترین آن‌ها، ترسیم مهندسی فرهنگی کشور و ترویج فرهنگ اسلامی - ایرانی و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی - ایرانی

است که سبب اصلاح اجتماعی و تقویت راه‌کارهای کارآمدی اجتماعی نیز می‌شود که شامل: رفع محرومیت و برقراری رفاه عمومی و نیز اجرای عدالت اجتماعی و توزیع صحیح منزلت اجتماعی و نقش و پایگاه‌های اجتماعی؛ ایجاد کارویژه‌ای برای ازدیاد انسجام و همبستگی ملی؛ ایجاد آگاهی ملی و جهت‌دهی به زندگی اجتماعی و فرهنگ‌سازی مشارکت اجتماعی و سیاسی مردم؛ تقویت و گسترش جامعه مدنی و غیره.

راهکارهایی جهت کارآمدی در عرصه‌ی تقنینی و قانون‌گذاری عبارت است از: همکاری و تعامل بیشتر قوه‌ی مقننه با سایر قوا، توجه بیشتر به تصویب قوانین مرتبط با حمایت از زنان و کودکان، تشکیل گروهی از افراد متخصص و خبره جهت تشخیص موضوعات، اولویت‌بندی مطالبات مردم و نیازسنجی تقنینی، نظارت کارآمد بر حسن اجرای قانون و رصد مرتب این فرایند و ارائه‌ی گزارش، ارتباط بیشتر نمایندگان با مردم و پیگیری حل مشکلات مردم، در نظر داشتن تقوا و عدم توجه به سفارشات افراد ذی نفوذ در رأی دادن و غیره.

برای کارآمدی در حوزه‌ی قضایی، می‌توان به راه‌کارهایی همچون رصد مسیر طی شده و آسیب-شناسی آن، ایجاد سامانه ملی و استفاده از فناوری نو جهت ثبت پرونده‌ها و رسیدگی به آن‌ها، ایجاد سامانه‌ی نظارت بر فرایند بررسی پرونده‌ها و کار قضات و کارکنان، کادرسازی تخصصی در دستگاه قضایی، گزینش اشخاص صالح و سالم در مجموعه‌های قضایی و اداری، گسترش کمی و کیفی محاکم دادگستری، استفاده از ظرفیت وزارت دادگستری، مبارزه با مفسدان اقتصادی بزرگ و اعلام آن‌ها به مردم، حل مسئله‌ی اتقان احکام و نقض‌های مکرر آن، کلان‌نگری مجموعه قضا و توجه به مسائل حقوقی بین‌المللی و فعال کردن این بخش با افراد خبره و غیره اشاره کرد.

۷. نتیجه‌گیری: روایت نظریه کارآمدی دولت اسلامی

بر مبنای روش‌گرند تئوری، ارائه‌ی نظریه، یعنی بیان روایتی از مقولات و قضایایی که از ارتباط بین مفاهیم و شبکه مضامین به دست می‌آید. بنابراین، روایت نظریه کارآمدی دولت بر مبنای پنج قضیه‌ی اصلی به‌دست‌آمده از یافته‌های پژوهش عبارت است از:

دولت کارآمد اسلامی، دولتی است متشکل از مجموع دستگاه‌ها و نهادهای حکومتی و مدیریتی

کشور پایبند به احکام اسلام و غمخوار ملت ایران که بر پایه و شالوده‌ی نظام اسلامی بالنده، پیشرونده و پیرنشونده بنیان نهاده می‌شود. دولتی که شرایط زمینه‌ای و علی‌شکل‌گیری آن، مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی است و سیاست و اهداف کلان آن، سازوکار و نهادسازی‌های لازم برای ایجاد جامعه‌ی عادلانه‌ی پیشرفته اسلامی و تحقق تمدن اسلامی، بسترسازی جریان اندیشه دینی و اخلاق فاضله در کشور و اجرای قانون اسلام در بطن جامعه و حکومت، توجه به نیازهای مادی و معنوی مردم و رشد آن‌ها، رهایی از ظلم و استبداد و استعمار و برقراری استقلال و مردم‌سالاری دینی و نیز تأمین امنیت همه‌جانبه، رفاه عمومی، پیشرفت و برقراری عدالت و رسیدگی به محرومان و مشکلات مردم است.

زمانی که دولت کارآمد اسلامی در چنین بستر و شرایطی شکل گرفت، یکسری عملکرد و استراتژی‌های کنش-تعاملی دارد که به طور مستقیم روی خود بدنه‌ی دولت کارآمد و خروجی و آثار آن اثرگذار است که شامل ۶ بخش، یعنی شاخص‌های کارآمدی در بعد اقتصاد، سیاست، فرهنگ و اجتماع و نیز رعایت ویژگی‌های اخلاقی و مدیریتی و کفایتی مسئولان می‌شود. دولت کارآمد اسلامی، با محدود کردن نقش دولت به هدایت‌گری و نظارت و اولویت دادن به اقتدار و خودکفایی اقتصادی و تکیه بر اقتصاد مقاومتی و بهره‌گیری از ظرفیت بخش خصوصی و توانمندی علمی و هسته‌ای و جمعیت جوان کشور، منابع و ظرفیت‌های کشور را دقیق و عالمانه مدیریت می‌کند و سبب بهبود افزایش فضای کسب‌وکار و ایجاد اشتغال و رونق تولید و بهبود وضع اقتصادی کشور می‌گردد. همچنین این دولت در عرصه‌ی سیاست داخلی و خارجی با برقراری نظام اسلامی و مردم‌سالاری دینی و ایجاد اتحاد و همدلی بین ملت و مسئولان و ایجاد آرامش و پرهیز از حاشیه‌سازی‌ها و تشنج‌های سیاسی و نیز با حفظ اقتدار نظامی و هسته‌ای، در پرتوی مکتب مقاومت و استکبارستیزی با رعایت چهاراصل عزت، حکمت، عدالت و مصلحت کشور و در نظر داشتن حفظ استقلال و منافع ملت، با هدفمندی در سیاست خارجی و دیپلماسی عمل خواهد کرد. گفتمان اصلی دولت کارآمد اسلامی در عرصه‌ی اجتماع، خدمت‌رسانی به مردم و محرومان و برقراری عدالت اجتماعی است و با تکیه بر نیروی مردمی اقدام به ریشه کن کردن فقر و محرومیت در کشور، کاهش تبعیض و شکاف و فاصله‌ی طبقاتی، حل مشکلات مردم و پاسخ‌گویی به آن‌ها، ایجاد امکان استفاده‌ی برابر از امکانات و فرصت‌ها خواهد کرد تا ایجاد امید و

نشاط در مردم نماید. فرهنگ اسلامی و انقلابی به‌عنوان زیربنا و به صورت مویرگی در کل بدنه‌ی دولت اسلامی جریان و سریان دارد و ترویج این فرهنگ با ترسیم نقشه‌ی مهندسی کشور و بهره‌گیری از جوانان و رسانه ملی و مقابله با تهاجم فرهنگی در مرکز توجه قرار دارد.

در عرصه‌ی تقنینی و قضائی نیز توجه به رعایت شریعت، عدالت و انصاف در تصویب و اجرای قوانین، حسن اجرای قوانین، مبارزه با مفسدان اقتصادی و مخلان امنیت مردم، توجه به مطالبات مردم و رسیدگی به آن‌ها، کوتاه کردن فرایند تصویب قوانین و رسیدگی به پرونده‌ها، ایجاد سامانه‌ای جهت نظارت بر مجموعه، رصد مسیر طی شده و آسیب‌شناسی آن، گزینش صحیح افراد مجموعه و توجه به سلامت اخلاقی آن‌ها و غیره از جمله عوامل مؤثر بر کارآمدی دولت اسلامی است.

علاوه بر رعایت این شاخص‌ها، واجد بودن صفات اخلاقی، مانند تقوا، عدالت، شجاعت، بصیرت، هوشیاری و داشتن روحیه‌ی انقلابی و جهادی و نیز احساس مسئولیت، عدم فساد، انتقادپذیری و پاسخ‌گو بودن و توانمندی و شایستگی و تخصص‌مدیریتی مسئولان و کارگزاران، ویژگی‌هایی است که مستقیماً بر بدنه‌ی دولت کارآمد اثر می‌گذارد. معیار سنجش چنین دولتی، عملکرد آن خواهد بود و از لحاظ کارکردی به ساختار وابسته است، نه افراد.

در فرایند کنش تعامل دولت کارآمد، موانع بازدارنده‌ی درونی و بیرونی مانند تفرقه و اختلاف، فساد، مصرف‌گرایی، دشمنی اشرار داخلی و خارجی، وجود توطئه‌ها و تحریم‌ها، تهاجم فرهنگی و شبیخون فرهنگی در مسیر خواهد داشت که بر عوامل مؤثر و استراتژی‌های کارآمد بودن دولت اثر می‌گذارد و باید برطرف گردد.

زمانی که چنین دولتی در بستر زمینه‌ای و شرایط پیش‌گفته شکل گرفت و در فرایند استراتژی‌های کنش تعاملی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تعامل کرد و در مسیر حرکتش موانع درونی و بیرونی را رفع کرد، در نتیجه، کارآمدی دولت اسلامی محقق شده است که آثار و برکات بسیاری دارد؛ مانند پیشرفت همه‌ی عرصه‌های کشور، ارتقای هویت دینی، ملی و انقلابی، ایجاد عزت، استقلال، آزادی، ارتقای وجهه و جایگاه عزتمندان، بین‌المللی کشور، اتحاد، همدلی و همراهی بین مسئولان و مردم، برقراری رفاه عمومی و عدالت اجتماعی در جامعه و وحدت کلمه بین فرق

مختلف اسلامی، ایجاد آرامش سیاسی و ثبات امنیت و امید و نشاط و نیز تحقق جامعه اسلامی که مقدمه‌ی تمدن نوین اسلامی است.

منابع

- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۸۴)، *مبانی علم سیاست*، چاپ دهم، تهران، توس.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۶)، *درآمدی بر کارآمدی در نظام سیاسی اسلام*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- استراوس، انسلم و جولیت، کربین (۱۳۹۱)، *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*، ترجمه‌ی ابراهیم افشار، چاپ دوم، تهران، نی.
- امام خمینی (۱۳۷۲)، *کلمات قصار امام خمینی (پندها و حکمت‌ها)*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____ (۱۳۸۶)، *مجموعه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی*.
- _____ (۱۳۸۵)، *ولایت فقیه، چاپ سیزدهم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی*.
- _____ (۱۳۷۸)، *امام خمینی و حکومت اسلامی: مآخذشناسی اندیشه سیاسی امام خمینی، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی*.
- آقابخشی، علی (۱۳۷۹)، *فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار*.
- آشوری، داریوش (۱۳۷۳)، *دانشنامه سیاسی، تهران، مروارید*.
- آیت الله خامنه‌ای (۱۳۷۶)، *مجموعه حدیث ولایت، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی*.
- پارساپور، تقی (۱۳۹۹)، «نقش دولت تمدنی در کارآفرینی: چهارچوبی برای آینده‌ی جمهوری اسلامی ایران»، *دوفصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، دوره ۳، ش ۲ (پیاپی ۶).

- توسلی، غلام‌عباس (۱۳۸۷)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران، سمت.
- جانانان، اچ. ترنر (۱۳۷۸)، *مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی*، ترجمه‌ی محمد عزیز بختیاری و محمد فولادی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۴)، *اندیشه سیاسی امام خمینی*، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- جعفری، محمدرضا (۱۳۷۷)، *فرهنگ نشر نو*، تهران، تنویر.
- جمالی، حسین (۱۳۸۰)، *تاریخ و اصول روابط بین‌الملل*، تهران، نشر نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- جهان بزرگی، احمد (۱۳۸۱)، *اندیشه سیاسی امام خمینی*، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران، سمت.
- حسین‌پور، داود، فتاح شریف‌زاده، وجه‌الله قربانی‌زاده، یوسف زال (۱۳۹۹)، *مؤلفه‌های تدوین خط‌مشی‌های عمومی در دولت اسلامی با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی (با محوریت بیانات مقام معظم رهبری)*، *دوفصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، دوره ۳، ش ۱ (پیاپی ۵).
- حق‌شناس، علی محمد؛ حسین، سامعی و نرگس انتخابی (۱۳۷۹)، *فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی-فارسی*، تهران، فرهنگ معاصر.
- دانایی‌فرد، حسن و سید مجتبی، امامی (۱۳۸۶)، «استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه-پردازانی داده بنیاد»، *فصلنامه اندیشه مدیریت*، سال اول، ش ۲.
- دانایی‌فرد، حسن، سید مهدی، الوانی؛ آذر عادل (۱۳۸۶)، *روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکرد جامع*، تهران، صفار.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۷)، *کندوکاوها و پنداشته‌ها*، تهران، سهامی انتشار.

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، ۱۶ جلدی، تهران، دانشگاه تهران.
- شعبانی، قاسم (۱۳۸۶)، حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات اطلاعات.
- عمید، حسن (۱۳۹۰)، فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیرکبیر.
- فیرحی، داود (۱۳۸۰)، «نظام سیاسی و دولت در اسلام (۱)»، فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی، شماره ۱۴.
- فتحعلی، محمود (۱۳۸۲)، مباحثی در باب کارآمدی، قم، مؤسسه امام خمینی.
- کوهن، بروس (۱۳۸۰)، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی غلامعلی توسلی و رضا فاضل، تهران، سمت.
- کرلینجر، فرد، ان. (۱۳۷۷)، مبانی پژوهش در علوم رفتاری، ترجمه‌ی حسن پاشاشریفی و جعفر حقیقی زند، تهران، آوای نو.
- گولد، جولوس و ویلیام، کولب (۱۳۹۲)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه‌ی باقر پرهام، تهران، مازیار.
- گرجی ازدریانی، علی اکبر (۱۳۸۹)، مبانی حقوق عمومی، چاپ دوم، تهران، جنگل.
- مسعودیان، مصطفی و احمد، تقی‌زاده (۱۳۹۹)، «بایسته‌های ساختاری قوه مقننه مطلوب در دولت اسلامی (با رویکرد انتقادی به وضعیت موجود)»، اندیشه‌های حقوقی عمومی، سال دهم، ش ۱.
- مصباح‌یزدی، محمد تقی (۱۳۸۷)، شاخصه‌ها و مؤلفه‌های هویت نظام اسلامی، قم، وثوق.
- معین، محمد (۱۳۸۶)، فرهنگ معین، تهران، زرین.
- نرم افزار به‌سوی نور، نسخه ۵، تهیه‌شده در مرکز اطلاع‌رسانی غدیر.

- نفیسی ناظم الاطباء، میرزا علی اکبر (۱۳۳۴)، فرهنگ نفیسی و فرنودسار (فرهنگ ناظم الاطباء)، تهران، سهامی چاپ رنگین.
- وینست، اندرو (۱۳۷۱)، نظریه‌های دولت، ترجمه‌ی حسین بشیریه، تهران، نی.
- هایک، فریدریش فون (۱۳۹۰)، راه بردگی، ترجمه‌ی فریدون تفضلی و حمید پاداش، تهران، نگاه معاصر.
- Aristotle, *Politics* (1988), Translated by c. p. c. Reere, Cambridge, Hackett publishing company.
- Creswell, J.W (2012), *Educational research Planning, conducting, and evaluating quantitative and qualitative research* (4th ed.), Boston, MA Pearson.
- Doran, G. T. (1981), "There's a S.M.A.R.T. way to write management's goals and objectives", *Management Review, AMA FORUM*, 70 (11), pp. 35-36.
- Dowdall, H. C. (1923), *The Word State*, *Law Quarterly Review*, p.10.
- Drucker, P. (1963), *Managing for business effectiveness*, *Harvard Business Review*, May-June.
- Dyson, K. H. F. (1980), *The State Tradition in Western Europe: A Study of an Idea and Institution*, Oxford: Martin Robertson.
- Glaser, Barney G., and Strauss, Anselm, L. (1967), *The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*, Chicago: Aldine Publishing Company.
- Habermas, Jurgen (1964), "The Public Sphere: An Encyclopedia Article", trans Sara Lennox and Frank Lennox, *New German Critique*.
- Habermas, Jurgen (2005), *Democracy and the Public Sphere*, London: Pluto Press.
- Hayek, F.A (1944), *The Road to Serfdom*, University of Chicago Press.

- Lee, J. A (2001), Grounded Theory: Integration and Internalization in ERP Adoption and Use, Unpublished Doctoral Dissertation, University of Nebreska, In Proquest UMI Database.
- Locke, E. A. (1968), "Toward a theory of task motivation and incentives", Organ, Behav, Hum, Perform, 3: pp.89-157, 1968.
- Martin, Patricia, Y. and Turner, Barry A. (1986), "Grounded Theory and Organizational Research", Journal of Applied Behavioral Science, 22 (2).
- Oxford Elementary Learner's Dictionary, (2000).
- Pritchard, R.D. (1995), Productivity Measurement and Improvement: Organizational Case Studies, Praeger Publishers, Westport, CT. productivity analysis, Industrial management & Data system, Vol 104, Productivity Handbook, edited by: Holzer, united state. Programs, Land and Water Research Development Corporation.
- Strauss, Anselm L., & Corbin, Juliet (1998), Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory, 2nd Ed., Sage.
- Wilson, Woodro (1887), "The Study of Administration", Political Science Quarterly, Volume 2, Number 2, June.

References

- Abolhamad, Abdolhamid (2005), *The principles of politics*, 10th Ed, Tehran, Toos.
- Aghabakhshi, Ali (2000), *Dictionary of Political Sciences*, Tehran, Chapar.
- Akhavan Kazemi, Bahram (2007), *An Introduction to Efficiency in the Political System of Islam*, Tehran, Research Institute for Islamic Culture and Thought.
- Amid, Hassan (2011), *Amid Dictionary*, Tehran, Amirkabir.
- Aristotle, Politics (1988), Translated by c. p. c. Reere, Cambridge, Hackett publishing company.
- Assyrian, Dariush (1994), *Political Encyclopedia*, Tehran, Morvarid.

- Ayatollah Khamenei (1997), *Velayat Hadith Collection*, Tehran, Islamic Propaganda Organization.
- Creswell, J.W (2012), *Educational research Planning, conducting, and evaluating quantitative and qualitative research* (4th ed.), Boston, MA Pearson.
- Danaeifard, Hassan and Seyed Mojtaba, Emami (2007), "Strategies of Qualitative Research: A Reflection on Grounded Theory", *Strategic Management Thought*, 1(2).
- Danaeifard, Hassan, Seyed Mehdi, Alwani; Azar Adel (2007), *Qualitative Research Methodology in Management: A Comprehensive Approach*, Tehran, Saffar.
- Dehkhoda, Ali Akbar (1998), *Dehkhoda Dictionary*, 16 volumes, Tehran, University of Tehran.
- Doran, G. T. (1981), "There's a S.M.A.R.T. way to write management's goals and objectives", *Management Review, AMA FORUM*, 70 (11), pp. 35-36.
- Dowdall, H. C. (1923), *The Word State*, *Law Quarterly Review*, p.10.
- Drucker, P. (1963), *Managing for business effectiveness*, *Harvard Business Review*, May-June.
- Dyson, K. H. F. (1980), *The State Tradition in Western Europe: A Study of an Idea and Institution*, Oxford: Martin Robertson.
- Fath Ali, Mahmoud (2003), *the efficiency of discussions*, Qom, the Imam Khomeini Educational and Research Institute.
- Feyrahi, Davood (2001), "Political System and Government in Islam (1)", *Quarterly Journal of Political Science*, No. 14.
- Glaser, Barney G., and Strauss, Anselm, L. (1967), *The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*, Chicago: Aldine Publishing Company.
- Gorji Azandariani, Ali Akbar (2010), *Les fondements droit public*, Second Edition, Tehran, Jangal.

- Gould, Julius & Kolb, William L (2013), *A dictionary of the social sciences*, translated by Baqer Parham, Tehran, Mazia.
- Habermas, Jurgen (1964), "*The Public Sphere: An Encyclopedia Article*", trans Sara Lennox and Frank Lennox, New German Critique.
- Habermas, Jurgen (2005), *Democracy and the Public Sphere*, London: Pluto Press.
- Hafeznia, Mohammad Reza (2006), *An Introduction to the Research Method in Humanities*, Tehran, Samat.
- Haghshenas, Ali Mohammad; Hossein Samei, Nargues Entekhabi (2000), *Farhang moaser English -Persian millennium dictionary*, Tehran, Contemporary Culture.
- Hayek, F.A (1944), *The Road to Serfdom*, University of Chicago Press.
- Hoseinpour, Davoud; Fattah Sharif zadeh; Vajhollah Ghorbanizadeh & Yousef Zal (2020), Components of Compiling Public Policies in Islamic State With the approach of modern Islamic civilization (With the focus on the statements of the Supreme Leader), *Scientific Journal Of New Islamic Civilization Fundamental Studies (Bi-quarterly)*, Vol.3, No.1(Serial 5).
- Imam Khomeini (1993), *Short words of Imam Khomeini*, Tehran, Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Imam Khomeini (1999), *Imam Khomeini and the Islamic government*, Tehran, Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Imam Khomeini (2006), *Velayat-e-Faqih*, 13th Ed, Tehran, Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Imam Khomeini (2007), *Noor Collection*, Tehran, Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Jafari, Mohammad -Reza (1998), *Concise English - English English - Persian dictionary*, Tehran, Tanvir.
- Jahan Bozorgi, Ahmad (2002), *Political Thought of Imam khomeini*, Tehran, Cultural Institute of Contemporary Knowledge and Thought.

- Jamali, Hossein (2001), *History and Principles of International Relations*, Tehran, Vali-e-Faqih Representation.
- Jamshidi, Mohammad Hossein (2005), *Imam Khomeini's Political Thought*, Tehran, Research Institute of Imam Khomeini and the Islamic Revolution.
- Jonathan, H. Turner (1999), *Concepts and Applications of Sociology*, translated by Mohammad Aziz Bakhtiari and Mohammad Fouladi, Qom, the Imam Khomeini Educational and Research Institute.
- Kerlinger, Frederick Nichols (1998), *Foundations of behavioral research*, translated by Hassan Pasha Sharifi and Jafar Haghighi Zand, Tehran, Avae No.
- Kohen, Bruce (2001), *Introduction to sociology*, translated by Gholam-Abbas Tavassoli & Reza Fazel, Tehran, Samat.
- Lee, J. A (2001), *Grounded Theory: Integration and Internalization in ERP Adoption and Use*, Unpublished Doctoral Dissertation, University of Nebraska, In Proquest UMI Database.
- Locke, E. A. (1968), "Toward a theory of task motivation and incentives", *Organ, Behav, Hum, Perform*, 3: pp.89-157, 1968.
- Martin, Patricia, Y. and Turner, Barry A. (1986), "Grounded Theory and Organizational Research", *Journal of Applied Behavioral Science*, 22 (2).
- Masoudian, Mostafa and Ahmad, Taghizadeh (1399), "Structural requirements of the desired legislature in the Islamic state (with a critical approach to the current situation)", *Public Legal Thoughts*, Year 10, Vol.
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi (2008), *Characteristics and components of the identity of the Islamic system*, Qom, Vosough.
- Moein, Mohammad (2007), *Moein Dictionary*, Tehran, Zarrin.
- Nafisi Nazim al-Atab'a, Mirza Ali Akbar (1955), *Farhang Nafisi wa Farnoodsar (Farhang Nazim al-Atab'a)*, Tehran, color printing company.
- Oxford Elementary Learner's Dictionary, (2000).

- Parsamehr, Taghi (2020), " The Role of Civilized Government in Entrepreneurship: A Framework for the Future of the Islamic Republic of Iran", Scientific Journal Of New Islamic Civilization Fundamental Studies (Bi-quarterly), Vol.3, No.2(Serial 6).
- Pritchard, R.D. (1995), Productivity Measurement and Improvement: Organizational Case Studies, Praeger Publishers, Westport, CT. productivity analysis, Industrial management & Data system, Vol 104 ,Productivity Handbook , edited by : Holzer , united state. Programs, Land and Water Research Development Corporation.
- Rafi Pour, Faramarz (2008), Explorations and Assumptions, Introduction to Community Cognition and Social Research Methods, Fifth Edition, Tehran: Publishing Joint Stock Company.
- Sha'abani, Ghasem (2007), Constitutional Rights and the Structure of the Government of the Islamic Republic of Iran, Tehran, Ettela'at.
- Strauss, Anselm L., & Corbin, Juliet (1998), Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory, 2nd Ed., Sage.
- Strauss, Anselm L., & Corbin, Juliet (2012), Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory, 2nd Ed., Tehran, Ney.
- Tavassoli, Gholamabbas (2008), Sociological Theories, Tehran, Samat.
- Vincent, Andrew (1992), Government Theories, Translation by Hossein Bashirieh, Tehran: Ney.
- Von Hayek, Friedrich (2011), "The Slavery", translated by Fereydoun Tafazoli and Hamid Padash, third edition, Tehran, Contemporary View Publications.
- Wilson, Woodrow (1887), "The Study of Administration", Political Science Quarterly, Volume 2, Number 2, June.